

حج و تفاهمات اسلامی

استاد شهید آیت‌الله مطهری	بخش دوازدهم
	
در حدیث نبوی فرمود: أَنَا جَمَلُ هَذَا الْأَصْحَى لِتَسْبِيحِ مَسَاجِدِكُمْ مِنْ الْحَجِّ فَاطْمَئِنُّوا بِهِ ؛ خداوند قربانی را قرار داد تا نیازمندان شما شکمی سیر از گوشت بخورند؛ پس آنان را اطعام کنید]	
و سَرِّ اینکه روز عید قربان عید است، این است که در دین روز رسم فرزندکشی منسوخ شد. داستان عبدالمطلب و عبدالله طاهر از معجزات تاریخ باشد که عبدالمطلب نذر کرد که اگر خدا ده پسر به او بدهد، یکی را قربانی کند ای آخره! اما از نظر دوم یعنی تعظیم و تکریم احبصار و بیت و غیره، می‌گویند طواف گرد یک خانه سنگی و اسلام و تبرک به حجرالاسود بقایایی از شرک است که در اسلام باقی مانده است، اسلام هم نتوانست توحید خالص بیاورد، و الا می‌بایست حج را به طور کلی منسوخ کند، حج به طور کلی از بقایای شرک است که در اسلام باقی مانده است! اتفاقاً قصبه برعکس است، قرآن حج را یادگار ابراهیم و ابراهیم را پدر حج و دشمن بت‌پرستی می‌داند: وَاجْتَنِبُوا بَیْتًا أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ؛ «ما فرزندانم را از بت‌پرستی بازدار!» ابراهیم نیز بت‌شکن بود: إِنَّمَا مِنْ يَعْظُمُ شَأْنَهُ أَنْ فَانْهُنَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ؛ «ایندین گونه هر کس شمعشانی الهی را بزرگ بدارد، این از تقوای دلهاست» در خلال آیات حج وارد شده است،	
تفاوت پرستش و تعظیم	
فرق است میان تعظیم و پرستش. اسلام تعظیم و تواضع را جایز می‌داند، و پرستش را منع می‌کند. فرق میان پرستش و تعظیم این است که پرستش نوعی تقدیس و تنزیه و تسبیح و تحمید است، و تسبیح و تحمید و تنزیه از جمع نقایص و همچنین تکبیر مختص خداست؛ زیرا کامل منزّه از همه نقایص، خداست. و آن که سیاس مطلق به اوست و اکبر و اعظم مطلق، سجود و رکوع از لحاظ هیأت جسمانی عبادت نیست، از آن لحاظ عبادت است که حالتی است که اختصاص داده شده برای تسبیح و تکبیر؛ لهذا در سجود می‌گویم: « سبحان ربی الاعلیٰ و بجمده » [پروردگار بلندترهم منزّه است و ستایشش می‌کنم] و در رکوع می‌گویم: « سبحان ربی العظیم و بجمده » [پروردگار بلندترهم بزرگ است و ستایشش می‌کنم]، در موقع رفع رأس می‌گویم: « الله اکبر » [خدا بزرگتر از آن است که توصیف شود] و در حال قیام می‌گویم: « الحمد لله رب العالمین » [همه ستایش‌ها و پرستش‌ها مخصوص خداست، پروردگار جهانیان] و یا « سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر ».	
تقدیس منحصر باید برای خدا باشد، یا به خاطر امر خدا، اگر چیزی را به خاطر یک شاعر و عنوان یک شاعر تقدیس کردیم آنه تسبیح که برای غیر خدا جایز نیست)، مثل احترامی که به پرچم و علامت‌های ملی می‌گذارند، در واقع احترام به آن نیست، احترام به آن فکر و عقیده‌ای است که این پرچم نمایندده اوست. این است که جنبه شعاریت پیدا می‌کند.	
پس در اینجا دو مطلب گفته شد: یکی اینکه ملاک پرستش، تسبیح و تکبیر و تحمید است که جز درباره کمال مطلق جایز نیست و نباید ندارد خدا اجازه بدهد غیر او تسبیح و تکبیر و تحمید شود، اما سجود و رکوع از لحاظ هیأت جسمانی، عبادت نیست و هیچ عملی عبادت ذاتی نیست.	
مطلب دیگر اینکه در میان همه ملل معمول است که شعاری را تقدیس و تعظیم می‌کنند و از این کار هدفی دارند. اسلام هم شعاری دارد و به نص قرآن، کعبه و حج از شعایر است.	

ابراهیم (ع)، قهرمان توحید

حضرت ابراهیم در راه توحید، دو نوع مبارزه و دو نوع مجاهده دارد: یکی برای ابرن مرد بزرگوار با بت‌پرستی‌ها و با غیر خدایپرستی‌ها که به هر شکل بود مبارزه کرد، یک مبارزه سخت و سنگینی تا آنجا که او را در خرمنی از آتش انداختند؛ یعنی آن‌چنان مصیبت‌ و ناراحتی محیط کفر خودش را را آورد که از طرف قدرت قاهره آن وقت – به نام نمرود – دستور داده شد که فضای بزرگی را مملو از هیزم و سایر مواد متحرقة بکنند و آتش بسیار بزرگی به وجود آورند. هدف، تنها سوزان ابراهیم نبود. اگر هدف کشتنش بود، با دار زدن یا بریدن سرش هم کشته می‌شد. هدف، تنها سوختن او نبود و الا ابراهیم را در تنور هم می‌سوزاند بیندازند. جرم ابراهیم در نظر آنها آفتد زیند بود که اگر می‌شد او را هزار بار بکشند و آتش کنند، هزار بار می‌کشیدند و زنده‌اش می‌کردند و باز از نو او را می‌کشتند! چون یک نفر را بیش از یک بار نمی‌سوختند، پس باید که آن یک بار آن‌چنان هیمنه و عظمت برای کشتن او به وجود آید که از خاطره‌ها محو نشود و دیگر ابراهیمی پیدا نشود و خیال ابراهیمی در سرش پدید نیاید.

آمدند در یک کده و میدان بسیار وسیعی چندین روز هیزم و چوب خشک و مواد متحرقة جمع کردند و یک کوه به وجود آوردند. همه اینها را آتش زدند به طوری که انسان نمی‌توانست از چند متری نزدیک آن بنشود. این برای آن بود که در عیش در دل مردم باد بگیرد، حال، ابراهیم را چطور در آتشها بیندازند؟ آنهایی که می‌خواستند او را در آتش بیندازند، خودشان نمی‌توانند جلو بروند. ناچار منجیق و وسیله پرتاب ایجاد کردند. ابراهیم را روی منجیق بلندی بردند و از فاصله چند ده متری دو میان آتشها پرت کردند.

اما این قهرمان توحید نه تنها در مقابل جلادهایی که برای کشتن و احراق او آمده بودند خم به ابرو نیاورد، اظهار عجز و ناتوانی نکرد، انتقامش نکرد، حرف تقدیه‌آمیزش نرفت، بل یک کوه به میان حالی که آن بالا در خرمن آتش پرت می‌شد، جبرئیل امین ظاهر شد – او با جبرئیل مانوس بود و همیشه جبرئیل حامل وحی خدا بود – و گفت: «ابراهیم حاجتی داری یا نه؟» گفت: «**آیا یک تلاه** به تو نه آن کسی که به او حاجت دارم خودش می‌داند، گفتن نمی‌خواهد!» ابراهیم با چنین روحی در آتش افتاد و در وقت کف آتش بر او نبرد و سلاام شد، یعنی آتش بر او سرد شد، آتش برای او خنک گرد شد، نه اینکه آتش گلزار بود که او می‌رفت. خدا آتش را بر چنین فردی سرد کرد و اثر آتش را از آن گرفت.

موحد آن کسی نیست که فقط در فکرش موحد باشد، یعنی بتواند برای توحید دلیل بیاورد، برای توحید کتاب بنویسد، در باب توحید سخنرانی کند، در راه توحید مباحثه کند، هر کسکی با او مباحثه کند جوشا بر آید. البته این کار محیده توحید است، لازم هم هست؛ اما توحید آن‌وقت برای انسان توحید واقعی است که تا آن اعماق روحش نفوذ کرده باشد، یعنی خدا را خدا چیزی را نبیند و چیزی را نخواهد و از چیزی ترسند. اگر انسان به خدا رسید که در راه رضای خدا هیچ چیزی را نخواست و هرچه خواست به آن دلیل خواست که رضای خدا در اوست، موحد واقعی است؛ یعنی اگر سر سفره هم نشست، فکر می‌کند که الله رضای خدا این است که من به خدا بخورم یا نه؟ اگر حساب کرد رضای خدا در این است که من این غذا را بخورم غذا غدا حلال است، من هم گرسنه هستم و به غذا احتیاج دارم، باید بخورم یا نه؟ تیری بگیرم تا بتوهم غذا بخورم را در راه رضای خدا انجام بدهم پس می‌خورم، و اگر از هیچ چیزی غیر خدا هم ترسید و باک نکرد و اگر در راه خدا از هیچ چیزی مضایقه نکرد و به چنین فردی می‌گویند موحد عملی.

همان طوری که دیدیم، ابراهیم از جانش به هیچ شکل مضایقه نکرد، او را در آتشها انداختند اهمیت نداد. او آماده بود برای اینکه در این آتشها کباب بشود، ابراهیم از مالش گذشت، یعنی هرچه داشت همه را گذاشت و از سرزمین اصلی خودش مهاجرت کرد و گفت: **ای ذات الهی ربی سیه‌دین**؛ «من به سوی پروردگارم می‌روم، یعنی به خدا می‌باله و ایادام می‌روم.» ابراهیم از یک خانواده به اصطلاح پادشاهی نبود، گوشتند داشت، اسباب و اشیای دیگر داشت. از همه اینها بالاتر این بود که از فرزندش در راه خدا گذشت، حاضر شد در راه خدا فرزند خودش را قربانی کند. من نکتۀ اصلی را همین‌جا می‌خواهم عرض کنم.

مسئله فداکردن فرزند به دو شکل می‌تواند باشد. شک ندارد که قربانی کردن فرزند یعنی فرزند را در خدا دادن، او را گذاشت است و ای بسا انسان‌هایی که حاضرند جان خودشان را بدهند، ولی حاضر نیستند که زنده بمانند و جوان عزیزشان کشته بشود، اما در کار این قهرمان توحید در داستان فدخ فرزندش اسماعیل یک نکته‌ای وجود دارد که قرآن نقل کرده است و این جالب توجه است.

پی‌نوشت‌ها:	۴۹. حج، ۳۲.
۴۷. ابراهیم، ۳۵.	۵۰. صافات، ۹۹.
۴۸. انبیاء، ۵۷ و ۵۸.	

آنچه در پی آمده است نگاهی دارد به قرارداد توتال و ارزیابی تاثیرات آن در اقتصاد ملی از دیدگاه تنی چند از کارشناسان و صاحب نظران که بخش اول آن را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم را می خوانید:

هر چند با ورود سرمایه گذاران خارجی به حوزه نفت، توان استخراج طلا، سیاه از سکوهای نفتی ایران در دایین مشترک افزایش می یابد، اما مهم تر این آنکه مهندسان نفتی و فعالان این حوزه به فناوری ها و تکنولوژی ها روز دنیا دست پیدا می کنند؛اگرچه در این میان عده ای مخالف ورود سرمایه گذاران خارجی به حوزه انرژی هستند.عده ای قرارداد وزارت نفت با توتال را قرارداد یکطرفه به نفع فرانسوی ها می دانند و مدعی هستند که امتیازات داده شده به توتال بسیار قابل توجه است، اما بیژن نامدار زنگنه عالی ترین مقام وزارت نفت با زیر سوال بردن سیاه نمایی های مخالفان معتقد است که بهترین قرارداد در سطح جهان، توافق امتیازی است ؛ در عین حال که سرمایه گذار خارجی باید انگیزه ورود به بازار ایران را داشته باشد.

افضای قرارداد با توتال به غیر از گشایش هایی که در صنعت نفت و انرژی کشورمان خواهد داشت و می تواند به درآمدهای نفتی ایران در رقابت با کشورهای همسایه بیافزاید، پیامی دیگر هم دارد که قطعاً در جذب سرمایه گذار خارجی در سایر حوزه ها هم تاثیر گذار است. ورود شرکت قدرتمند فرانسوی به نفت ایران به معنای امنیت سرمایه گذاری در کشورمان است و می تواند نقطه اتکایی برای سایر شرکت های خارجی باشد. اما در این میان برخی جریان‌های داخلی برای تسویه حساب با دولت کاملاً استمرار این رویه می شوند. یکی از ادعاهای مخالفان امضای قرارداد با توتال این است که شرکت های داخلی توان ورود به این پروژه را داشتند و دولت با وجود ظرفیت های شرکت های داخلی نباید این فرصت را در اختیار خارجی ها بگذارد؛ حال باید از مخالفان پرسید چرا تاکنون هیچ شرکت ایرانی برای پذیرفتن اجرای این پروژه ها اعلام آمادگی کند یا اینکه چرا پروژه های نفتی در مقیاس کوچک تر تا توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی که پیمانکاران داخلی در آن حضور دارند، در اجرا با تأخیر مواجه شده است؟

در این باره حبیب الله یطرف معاون وزیر نفت با اشاره به ورود سرمایه گذاری خارجی به پروژه های حوزه انرژی در کشور اظهار می دارد: به طور قطع استفاده از ظرفیت سرمایه گذاری های خارجی در

پروژه های نفتی اجتناب ناپذیر است و اگر شرکت های ایرانی و سرمایه گذاران داخلی توان حضور در این پروژه های سنگین و کلان نفتی را داشتند باید این پروژه ها پیش از این انجام می شد.

وی ادامه می دهد:از سوی دیگر دولت

و سرمایه گذارانی وارد پروژه شوند که با حفظ منافع ملی و منافع کشورمان، بتوانند در چارچوب استانداردها مسئولیت اجرای پروژه های نفتی را بر عهده بگیرند.

معاون وزیر نفت با اشاره به الزام

ورود تکنولوژی و فناوری های جدید در ظرفیت ها وجود دارد بهترین راهکار استفاده از توان سرمایه گذاران خارجی است.

جذب سرمایه گذار خارجی موضوع جدیدی نیست و در دولت های گذشته هم مسئولان درصدد جلب اعتماد سرمایه

و توان برای استخراج نفت، به سهم بیشتری از میداین مشترک دست پیدا کرده‌اند و ما با تأخیر در اجرای پروژه‌ها سهم خود را از دست می دهیم.

حسینی ادامه می دهد: مهندسی ارزش در اجرای پروژه ها بسیار اهمیت



هم توان تأمین اعتبارات چنین پروژه های را ندارد. باید پذیریم که دولت حتی در تأمین بودجه عمرانی هم با مشکلات متعددی مواجه است، به طوری که به دلیل کمبود درآمدها در سال بین ۱۵ تا ۵۰ درصد بودجه عمرانی دستگاه های مختلف محقق می شود.معاون مهندسی و پژوهش و فناوری وزارت نفت با بیان اینکه تجربه نشان داده که بخش خصوصی توانمند دراین خصوصی در داخل کشور وجود ندارد، می افزاید: شرکت های خصوصی نمی توانند حجم عظیم سرمایه گذاری ها در پروژه های نفتی را تأمین کنند؛ چنانکه چندین شرکت داخلی سه سال است که قادر به تأمین منابع مالی ساخت ۸ پالایشگاه در سیراف نشده اند و توانایی کافی برای اجرای این پروژه را ندارند.

این شرکت ها در حال حاضر به دنبال این هستند که بتوانند برای اجرای پروژه وام خارجی بگیرند. یطرف تأکید می کند: خسارت سسنگینی در تأخیر اجرای این پروژه ها متحمل می شویم، هم زمان را از دست می دهیم و هم کیفیت و اعتبارات را. بنابراین باید اجازه دهیم شرکت ها

قرارداد های جدید نفتی اظهار می د ارد: یکی از شروط مهم ورود شرکت های خارجی – که در قراردادهای جدید نفتی بر آن تأکید شد– انتقال فناوری های جدید در حوزه مدیریت پروژه، مهندسی و مدل های جدید تأمین مالی پروژه ها است. قطعاً با عقد ایسن قراردادهای شرکت های خارجی از جمله توتال به دستاوردهای مهمی در حوزه انرژی دست خواهیم یافت.

معاون سابق وزیر نفت خطاب به منتقدان ورود شرکت های خارجی از جمله توتال به پروژه های نفتی می گوید: از رفتار برخی ها تعجب می کنم، اگر سرمایه گذار خارجی را توانیم جذب کنیم، مدعی می شویم دولت در جذب سرمایه های خارجی ناتوان است و حالا که سرمایه گذار قدر بین المللی وارد پروژه های نفتی شده باز هم به عملکرد دولت انتقاد دارند.

وی ادامه می دهد: در حوزه های مختلف از جمله انرژی ظرفیت های زیادی برای سرمایه گذاری وجود دارد.

حال کنه در دولت و بخش خصوصی اعتبارات مورد نیاز برای فعال سازی این

آگهی مزایده عمومی یک مر حله ای نوبت اول شماره ۹۶۱۰۳۰۱۸۳

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد نسبت به فروش کالاهای اسقاط موجود در انبارهای خود مطابق جدول ذیل را به متقاضیان واجد شرایط اقدام نماید.
از تاریخ درج آگهی نوبت دوم جهت دریافت اسناد مزایده از طریق سایت شرکت به نشانی <http://moamelat.tbttb.ir> اقدام نمایند.

شرح مختصری از کالا(نوع، کمیت و کیفیت کالا)

ردیف	شرح کالا	واحد کالا	تعداد/مقدار	ردیف	شرح کالا	واحد کالا	تعداد/مقدار
۱	تجهیزات شبکه	عدد	۳۷,۹۶۱	۲	آهن آلات	کیلوگرم	۵۳,۳۶۰
۳	آلاته اداری	عدد	۲۱	۴	کمپرسورسیاردرزلی	دستگاه	۱
۵	انواع ترانسفورماتورهای قدرت	دستگاه	۳۰۴				

مبلغ و نوع سپرده شرکت در مزایده: مبلغ تضمین شرکت در مزایده ، حداقل ۵ درصد مبلغ پیشنهادی شرکت کننده در مزایده می باشد که مزایده گران می بایست بصورت ضمانت نامه بانکی ، چک تضمین شده بانکی ، واریز وجه به حساب جاری شماره ۰۱۰۱۸۰۱۱۷۱۰۰۴ به نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بانک صادرات شعبه ملاصدرا ارائه نمایند.

محل دریافت و بازگشایی اسناد مزایده : تهران – خیابان شیخ بهایی جنوبی شهرک والفجر انتهای کوچه سوم شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ- اداره دبیر خانه . محل بازگشایی تاریخ جلسات ساختمان شیخ بهایی .

مهلت و محل و بازگشایی اسناد مزایده: تاریخ درج آگهی شرکت در مزایده دوم روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۷ ساعت ۵ روز کاری . مبلغ ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال به صورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت شرکت به نشانی <http://moamelat.tbttb.ir> - بنر ثبت نام مناقصه و مزایده اقدام به خرید اسناد نمایند.
تاریخ ردیافت و باز گشایی اسناد مزایده: زمان دریافت اسناد مزایده تساعت ۱۰صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۰ و زمان بازگشایی پاکت ها ساعت ۱۱ صبح همان روز می باشد. به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش وپیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر درفرخوان واصل می شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط متقاضیان جهت شرکت در مزایده:

- هزینه درج دونوبت آگهی درروزنامه اطلاعات به عهده برنده یابردگان مزایده می باشد.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده مندرج است .

متقاضیان ميتوانند جهت اطلاعات بیشتر به سایت www.tavanir.org.ir - شبکه اطلاع رسانی معاملات شرکت توانیر یا به سایت <http://moamelat.tbttb.ir> مراجعه نمایند.
روابط عمومی(سپاهی خاص)

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ
شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ

آگهی مناقصه عمومی یک مر حله ای نوبت دوم

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد اجرای انتقال نیرو و برق رسانی به شبکه های توزیع در محدوده منطقه برق نیاوران خود را به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید .

شرح مختصری از کار:

نام منطقه برق	نیاوران
شماره مناقصه	۹۶۲۳۱۰۳۴۴-۹۶۲۳۱۰۳۴۴
موضوع مناقصه	اجرای عملیات انتقال نیرو و برق رسانی در محدوده منطقه برق نیاوران
مبلغ بر آورد انجام کارمناقصه ۹۶۲۳۱۰۳۴۴ (ریال)	۵,۱۸۰,۵۷۴,۱۹۰
مبلغ بر آورد انجام کارمناقصه ۹۶۲۳۱۰۳۴۴ (ریال)	۵,۹۲۳,۵۱۲,۲۱۱
مبلغ ضمانتنامه شرکت در مناقصه ۹۶۲۳۱۰۳۴۴ (ریال)	۳۵۶,۰۰۰,۰۰۰
مبلغ ضمانتنامه شرکت در مناقصه ۹۶۲۳۱۰۳۴۴ (ریال)	۳۷۸,۰۰۰,۰۰۰
مهلت فروش اسناد	۱۳۹۶/۰۶/۲۶ لغایت ۱۳۹۶/۰۷/۱۲
تاریخ دریافت اسناد مناقصه از مناقصه گران	ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۵
تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه شماره ۹۶۲۳۱۰۳۴۴	ساعت ۱۲ روزچهار شنبه تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۵
تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه شماره ۹۶۲۳۱۰۳۴۴	ساعت ۱۴ روزچهار شنبه تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۵
محل تحویل و بازگشایی اسناد	تهران – پاسداران خیابان جهانپیش نشان منطقه برق نیاوران

نوع سپرده شرکت در مناقصه: به صورت ضمانت نامه بانکی و یا چک تضمین شده بانکی ، واریز وجه به حساب جاری شماره ۰۱۰۱۸۰۱۱۷۱۰۰۴ به نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بانک صادرات شعبه ملاصدرا و یا مطالبات ثبت و تایید شده نزد امور مالی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ایران نمایند.
به پیشنهادهای فاقد سپرده ، سیره های مخدوش ، سپرده های کمتر از میزان مقرر ، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد .

مبلغ فروش اسناد: جهت هر مناقصه ، مبلغ ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال بصورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت شرکت به نشانی <http://moamelat.tbttb.ir> - بنر ثبت نام مناقصه و مزایده اقدام به خرید اسناد نمایند

نشانی www.tavanir.org.ir -سایت شبکه اطلاع رسانی معاملات شرکت توانیر: www.tavanir.org.ir -سایت پایگاه ملی مناقصات: <http://iets.mporg.ir> -سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ : <http://moamelat.tbttb.ir>

قراردادتوتال؛ شکست ایران هراسی

خط بطلان بر پروژه انرژی ایران

علسی مطهری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی می گوید: امضای قرارداد با توتال سبب می شودریسک سرمایه گذاری در ایران کمتر شود و این قرار داد، یک امتیاز مثبت برای دولت است. این قرارداد اقدام بسیار خوبی بود و در چنین شرایطی که آمریکا به دنبال تحریم های جدید است، این همکاری سبب شد که اعتماد کشورهای خارجی به ایران بیشتر شود.

سکینه الماسی عضو کمیسیون انرژی اظهار می دارد: حضور سرمایه گذاران خارجی در صنعت نفت، اشتغالزایی را به دنبال دارد و همه باید از فرصت حضور سرمایه گذاران خارجی در ایران استفاده کنیم.

وی میی افزاید: برخی کشورها همچون آمریکا در پی منزوی کردن ایران هستند، اما حضور سرمایه گذاران بزرگ خارجی در صنعت نفت نشان می دهد که تیر تحریم اقتصادی این کشور به سنگ خورده و اهداف آمریکا محقق نخواهد شد.

حسین امیری خامکائی عضو کمیسیون انرژی بیان می دارد: با اجرای قراردادهای جدید نفتی و سرمایه گذاری در این صنعت، افزون بر حفظ منافع مادی و غیر مادی کشور، فناوری و دانش فنی وارد کشور شده و انقلاب بزرگی در صنعت نفت ایجاد می شود.

اسدالله قره خانی سخنگوی کمیسیون انرژی هم اظهار می دارد: صنعت نفت و گاز امن ترین و پرسودترین صنعت برای سرمایه گذاران تلقی می شود، حضور

سرمایه گذاران بزرگ خارجی، زمینه توسعه صنعت نفت و گاز کشور را فراهم می کند.وی ادامه می دهد: حضور سرمایه گذار خارجی به هیچ وجه به معنای کنار گذاشتن اقتدار و عزت داخلی نیست، بلکه استفاده از چنین سرمایه‌هایی می تواند توان اقتصادی ایران را افزایش دهد.

سهیلا جلوزارزاده نماینده تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس می گوید: سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت، اظهار می دارد: بسیاری رقابت با این شرکت‌ها برای دستیافتن به منابع بیشتر است. شرکت ها و سرمایه گذاران بزرگ نیز به دستکاری به فناوری و تکنولوژی نفتی در گذشته با ایران همکاری داشتند که نتایج خوبی هم از این همکاری نصیب ایران شده است.

غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات هم بیان می دارد: امضای قرارداد نفتی با شرکت توتال توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی تأکید کرد:نزد حضور سرمایه گذاران بزرگ خارجی در صنعت نفت نشان‌دهنده به سنگ خوردن تیر تحریم اقتصادی و اهداف آمریکاست.

ادامه دارد

۱۰۰ سال دگر... ۶۹

پیش بینی ۱۱ اقتصاددان برتر جهان در مورد آینده دنیا

شوند) که شامل چگونگی زمان‌بندی و برنامه‌ریزی برای سفر هم می‌شود: آن هم در حالی‌که کارگران رایانه‌های ما در حال تعامل با کارگران رایانه‌ای هستند که از سوی برگرارکنندگان سیمتار با کفترسانی مسئولیت زمان‌بندی این رویداد را به‌عهده‌گرفتند. «مان‌طور که به بالا هم به آن اشاره شد، حدس می‌زنم برخی سیمتارها و کفترانس‌ها هنوز شامل سفر شوند.

هرچند ارتباطات مجازی باعث شده سفر و حضور فیزیکی برای ارایه مقاله بلاموضوع باشد، اما شام پس از همایش و تبادل ایده‌های در طول آن و یافتن پژوهشگرانی با حوزه تحقیقی مشابه و همکاران بالقوه برای نوشتن مقاله شاید هنوز از طریق حضوری بهتر انجام شوند.

بازارهایی که به صورت رایانه‌ای درآمده‌اند به افزایش اهمیت طراحی بازار می‌افزایند و جزئیات بسیاری از بازارها باید به صورت کدهای رایانه‌ای در بیاید.

اما بسیاری از انواع طراحی بازار که امروز توسط متخصصان انجام می‌شود باید از افرادی که مرز دانش قرار دارند به مشابه نرم‌افزاری آنها منتقل شوند، بسیار شبیه به شیوه‌های بهینه‌سازی ریاضی که زمانی بخش اعظم تحصيلات مقطع دکترا در رشته تحقیق عملیات را تشکیل می‌داد و اکنون در بسته‌های نرم‌افزاری ارایه می‌شود.

اما همچنان مشکلات مربوط به سازمان‌دهی و هماهنگ‌سازی برقرار خواهند ماند، در نتیجه طراحی بازار (با به بیان کلی‌تر، طراحی مبادلات اقتصادی نه‌تنها شامل بازار بلکه همراه با طراحی همه گونه‌های سازمان‌دهی، تراکشن و تخصیص) به بخش مهمی از اقتصاد تبدیل شده و اهمیت آن‌هابقی خواهد ماند.

البته برخی از اموری که اقتصاددانان (امروز) انجام می‌دهند بیشتر به امور مهندسی شباهت خواهند یافت، با این‌که اصول اساسی علم اقتصاد و فیزیک سال‌هاست به خوبی شناخته شده‌اند، شیوه‌های دیگر پیشرفت، راهکارهای بهتری را برای به‌کارگیری اصول ارایه خواهد کرد و در نتیجه جای تعجبی ندارد که در سال ۲۱۱۳ شیوه سازمان‌دهی انتخاب مدارس به گونه بهتری صورت پذیرد؛ همان‌طور که جای تعجبی ندارد که در آن زمان پل‌ها سبک‌تر و بلندتر باشند.

به‌طور خلاصه در مورد پیش‌بینی‌هایی که برای صد سال دیگر ارایه کرده‌ام، فکر می‌کنم روند افزایش ثروت مادی ادامه یابد، ولی نه لزوماً به گونه‌ای که کینز در سال ۱۹۳۰پیش‌بینی کرده بودد زندگی‌های‌مان پر از اوقات فراغت و تفریح خواهد بود.

بسیاری از افراد حتی سخت‌تر از آنکه گذشته کار می‌کنند و برخی از اموری که برای کار مؤثرتر انجام خواهد داد (مانند مواد تریزور)، هرچند فعلاً نفرت‌انگیز محسوب می‌شوند در آینده به اموری متداول تبدیل خواهند شد.

آگهی مناقصه عمومی دو مر حله ای نوبت اول شماره ۹۶۱۰۱۰۲۴۸

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد نسبت به خرید ۵۲۰,۰۰۰ عدد پلمپ بکسلی کنتور ، از تولیدکنندگان داخلی واجد شرایط اقدام نماید.

شرح مختصری از کالا(نوع، کمیت و کیفیت):

ردیف	شرح کالا	مقدار	واحد
۱	پلمپ بکسلی	۵۲۰,۰۰۰	عدد

مبلغ و نوع سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۲۷۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد که به صورت ضمانت نامه بانکی و یا چک تضمین شده بانکی یا واریز وجه به حساب جاری شماره ۰۱۰۱۸۰۱۱۷۱۰۰۴ بانک صادرات ایران شعبه ملاصدرا به نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ دریافت خواهد شد.

به پیشنهادهای فاقد سپرده ، سپرده های مخدوش ، سپرده های کمتر از میزان مقرر ، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد .
مهلت و محل و مبلغ فروش اسناد: از تاریخ درج آگهی نوبت دوم روز چهارشنبه مورخ ۹۶/۰۶/۲۷ لغایت دوشنبه مورخ ۹۶/۰۷/۰۵ روز کاری . مبلغ ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال بصورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت شرکت به نشانی <http://moamelat.tbttb.ir> - بنر ثبت نام مناقصه و مزایده اقدام به خرید اسناد نمایند.

شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه: مهلت تحویل اسناد مناقصه تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۵:۱۶) روز دوشنبه مورخ ۹۶/۰۷/۱۵ و زمان بازگشایی ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۹۶/۰۷/۱۵ می باشد.
تهران – خیابان شیخ بهایی جنوبی انتهای شهرک والفجر کوچه سوم شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ – اداره دبیر خانه – محل بازگشایی سالن جلسات . به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش وپیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر درفرخوان واصل می شود، مطلقاً "رتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه:

- هزینه درج دو نوبت آگهی در روزنامه اطلاعات بهعده برنده مناقصه می باشد .

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است .

نشانی های کسب اطلاعات بیشتر:

سایت شبکه اطلاع رسانی معاملات شرکت توانیر: www.tavanir.org.ir

سایت پایگاه ملی مناقصات: <http://iets.mporg.ir>

سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ : <http://moamelat.tbttb.ir>

روابط عمومی (سپاهی خاص) شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ

آگهی مناقصه عمومی یک مر حله ای نوبت اول

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد اجرای عملیات انتقال نیرو و برق رسانی شبکه های توزیع در محدوده عملیاتی منطقه برق هفت تیر خود را به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید .

شرح مختصری از کار:

نام منطقه برق	هفت تیر
شماره مناقصه	۹۶۱۱۱۰۴۱۵-۹۶۱۱۱۰۳۳۰
موضوع مناقصه	انتقال نیروو برق رسانی
مبلغ بر آورد انجام کار (ریال)	۲,۴۵۰,۳۴۶,۴۸۴
مبلغ ضمانتنامه شرکت در مناقصه (ریال)	۲۵۲,۰۰۰,۰۰۰
مهلت فروش اسناد	از تاریخ ۹۶/۰۶/۲۲ لغایت ۹۶/۰۶/۲۳
تاریخ ردیافت اساد مناقصه از مناقصه گران	تاساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۹۶/۰۷/۱۸
تاریخ بازگشایی اساد مناقصه	ساعت ۱۱ صبح روز شنبه مورخ ۹۶/۰۷/۱۸
محل تحویل و باز گشایی اسناد	محل تحویل اساد تهران -خیابان خاوران -روبروی ترمیال خاوران- کوچه یاسینی- اداره دبیر خانه منطقه برق هفت تیر و محل بازگشایی اساد سالن جلسات مناقصه می باشد

نوع سپرده شرکت در مناقصه: به صورت ضمانت نامه بانکی و یا چک تضمین شده بانکی ، واریز وجه به حساب جاری شماره ۰۱۰۱۸۰۱۱۷۱۰۰۴ به نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بانک صادرات شعبه ملاصدرا و یا مطالبات ثبت و تایید شده نزد امور مالی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند.
به پیشنهادهای فاقد سپرده ، سپرده های مخدوش ، سپرده های کمتر از میزان مقرر ، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد .

مبلغ فروش اسناد: جهت شرکت در هر مناقصه ، مبلغ ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال به صورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت شرکت به نشانی <http://moamelat.tbttb.ir> - بنر ثبت نام مناقصه و مزایده اقدام به خرید اسناد نمایند به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط وپیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر درفرخوان واصل می شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه:

- هزینه درج دو نوبت آگهی در روزنامه اطلاعات بهعده برنده مناقصه می باشد .

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است .

نشانی های کسب اطلاعات بیشتر:

سایت شبکه اطلاع رسانی معاملات شرکت توانیر: www.tavanir.org.ir

سایت پایگاه ملی مناقصات: <http://iets.mporg.ir>

سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ : <http://moamelat.tbttb.ir>

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سپاهی خاص)

پزشک در ردای نخست وزیر



یادداشت‌های دکتر «ماهانیر محمد»

نخست وزیر مازنی طی ۲۲ سال (۲۰۰۳–۱۹۸۱م)

ترجمه: محمد مقدس

نویسنده و خبرنگار ارشد آمریکایی معتقد است که استراتژی ترامپ تکسار رویکردهای ناموفق و امتحان‌شده دولتهای سابق آمریکااست. از سوی دیگر نیز رویکرد ترامپ کاملاً یک‌جانبه است، بطوری که منابع دیگر قدرت‌های منطقه را در نظر نمی‌گیرد.به گزارش دفتر منطقه‌ای خبرگزاری تسنیم، «فرید زکریا» نویسنده و خبرنگار ارشد آمریکایی در «واشنگتن پست» نوشت: سیاست خارجی آمریکا شکست خورده است و برای مشاهده این شکست نیز نشانه‌ای واضح‌تر از رویکرد واشنگتن در افغانستان وجود ندارد. پس از گذشت بیش از ۱۵ سال جنگ و اعزام صدها هزار نظامی به افغانستان، می‌کند که تغییرات بنیادین را در رویکرد این کشور در قبال افغانستان ایجاد خواهد کرد؛ با این حال طی ماه‌های اخیر شاهد هستیم که ترامپ نیز ادامه اقدامات مشابه دولتهای پیش از خود را انجام داده و نتیجه آن نیز این شد که آمریکا شدیداً درگیر جنگی بپایان در افغانستان شده است. تنها تفاوتی که سیاست ترامپ نسبت به آنچه از دوره قبل به وی رسیده، ۴۰۰۰ نیروی بیشتری است که قصد اعزام آن را دارد. ترامپ همچنین وعده داده که از ملت‌سازی اجتناب خواهد کرد، بر مراز به تروریسم تأکید دارد، به فساد در افغانستان خاتمه خواهد داد و رویکرد سختی را نیز در رابطه با پاکستان اتخاذ می‌کند. این در حالی است که «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری سابق آمریکا نیز همین کار را به ملت‌سازی در افغانستان با روش خرد باد و اظهار کرد: «وقت آن رسیده تا به ملت‌سازی در افغانستان بپردازیم.»اظهارات ترامپ در رابطه با پاکستان از نگاه بسیاری تغییری قابل توجه نسبت به دولت قبلی است؛

چون ترامپ در بیان مقام مراتب خرسندی مرا به پی داشت ولی در مقایسه با مقام عضویت در پارلمان، هرگز برای من راضی کننده نبود زیرا سناتور، از تأثیر کمتری نسبت به عضو پارلمان برخوردار است و اینکه ششما می‌توانی از انتصاب به مقام سناتوری برای دستیابی به پست وزارت استفاده کنی ولی این به معنای ورود به کابینه از درب پشتی است، در عین حال در مجلس سنا، اپوزیسیونی وجود ندارد زیرا دولت فدرال و دولتهای محلی(ایالتی) اعضای آن را منصوب می کنند و همه این دولتها و از جمله دولت وقت «کالتان» جبهه ملی را تشکیل می‌دادند. از آنجا که هیچ چالشى وجود نداشت، اوضاع خسته کننده شده بود و به همین دلیل بیشتر وقت خود را به ششم آوردن سسردون جئیر، -وزیر حمل و نقل آن زمان با طرح پرسش‌های مستخرهای که بیشتر می‌خواستم اوقات خوشی برای مجلس سنا فراهم آورم، سپری کردم.

ولی دیگر وقت آن رسیده بود که برای رویروایی با انتخابات عمومی سال ۱۹۷۴م، آماده شوم. برخی من تو توصیه می کردند، حوزه انتخابیهام را در «گوتالستار سیلتان» - که انتخابات سال ۱۹۶۹م. را در آن ریخته بودم -رها کنم زیرا مرزهای آن تغییر کرده و یک کاندیدا از «پاس» در آنجا حضور یافته بود. براساس تفاهمی که احزاب جبهه ملی به عمل آورده بودند، دو کاندیدا را برای کرسی‌هایی که در انتخابات اخیر پیروز شده بودند، مطرح کردند. ابتدا متوجه کاندیدا شدنم از حوزه انتخابیه «بادانگ تیراب» نشده بودم. این حوزه در شمال شرق ایالت «قدح» قرار داشت و حوزه فقیری به شمار می‌رفت و جمعیت کمی داشت ولی اعضای «امنو» در حوزه انتخابیه «کوبانگ پاسو» اندیشه‌های دیگری در سر می‌پروراندند. هنگامی که متوجه شدم یک یکی از اعضای حزب «پاس» در حوزه انتخابی آنجا کاندیدا شده است، یک شب کربوهی از آنها و در راس آنان پدر رئیس شعبه، «ضمان اروق» به خانامه آمدند و من خواستند به جای او، کاندیدای جبهه ملی باشم. از آنجا که «امنو» همواره نمایندگی «کوبانگ پاسو» را داشته، مایل نیستند که این امر تغییر کند. به نظر می‌رسید که این نشانی از مواضع کلی بود که پاکستان حمایت خود را از گروه‌های ترروستی خطرناک در افغانستان، به عنوان «بازوی سازمان اطلاعات ارتش پاکستان» نام برد. در همان سال نیز «هیلاری کلیتون» و «دیوید پترلوس» به ترتیب وزیر خارجه و رئیس سازمان اطلاعات مرکزی وقت آمریکا، هر دو به پاکستان سفر کردند تا آن طور که کتب فکت‌پاکستان را سخت فشار قرار دهند. هدف از این اقدام نیز این بود تا پاکستان حمایت خود را از گروه‌های نظامی متعالف حکومت افغانستان، متوقف کند. اقداماتی از قبیل در نهایت منجر به ششم پاکستانی‌ها و مسدود کردن راه ترانزاکتی نیروهای آمریکایی به مدت هفت ماه شد. همچنین «ایوانک رایان» سخنگوی مجلس نمایندگان آمریکا

روابط بین‌الملل

با این منظور شما به همسایگانی خوب نیاز دارید.روین معتقد است که استراتژی ترامپ در افغانستان محکوم نظامیانیش تعیین کرده است، منتظر می‌ماند تا ما از افغانستان خارج شوم. اما به نظر می‌رسد که رایان ماهیت این درستی متوجه نشده است، طالبان به دلیل سادهای قادر هستند تا تا هنگام خروج نظامیان ما از آنجا صبر کنند، چون طالبان آنجا زندگی می‌کنند.فرید زکریا در ادامه نوشته است که «دکتر فیکرانز» یکی از حرفه‌ای ترین خبرنگاران که از استراتژی تکنیکی است که توسط

جان انسان‌ها دیده نمی‌شود؛ بنابراین چنین رویکردی به دلیل جلوگیری از تحریک طالبان، و محکوم شدن افغانستان به جنگی بی پایان باید توقف یابد. **تشدید جنگ، افزایش تروریسم** استراتژی جدید امریکاعملیات عمل پیشتری را برای تغییر ماهیت و محدوده حضور و عملیات نظامی‌اش داده و زرنال‌های آمریکایی را منحصراً مسئول جنگی خواهد کرد که پایانی نداشت. این به وضوح نظامی نیروهای مسلح آمریکایی، بسیاری از قبال افغانستان‌فرانی شعلهورن شدن آتش جنگ خواهند شد. در پوشش

افغانستان ۱۶: سال نبرد بی شر

بسی میلی مداوم دولت آمریکا برای ایجاد صلح در این کشور، به مانع اصلی برای تلاش‌های ایجاد صلح در افغانستان تبدیل شده است. **تغیر شرایط کنونی در پاکستان** تغییرات غیرتاری را ایجاد کرده است، ترامپ نظریاتی بی‌سابقه، رئیس جمهور آمریکا یک بار کرد که پاکستان اغلب به مردم افغانستان خواهد شد. با برداشتن «محدودیت‌ها» و افزایش «انتخابات» بر پاکستان و رویکرد سخت‌تر نیز در تلاش برای واضح به وضوح نظامی این پایانی واضح به اسلام‌آباد بود که آمریکا باید فشان شدن دوباره پناهگاه نشان می‌دهد.

بخش دوم و پایانی

راهبرد ترامپ در افغانستان و تکرار رویکردهای ناموفق



هدف قرار دادن «تروریستها» مردم افغانستان در خانه، روستا و پاهر جایی که در نهایت آتش‌جنگ به آن سرایت کند، ایمن نخواهند بود.این اظهارات که «تروریستها جایی را برای پنهان شدن نخواهند داشت» و اینکه «جایی خود اعلام کرد پس از تلاش‌های موثر» خود در هنگام اعلام استراتژی اعلام کرده که اما باید از افتادن سلاح‌های هسته‌ای به دست تروریستها و استفاده آن در جایی از جهان علیه‌خود جلوگیری کنی.این اظهارات اخیر ترامپ، بر هراس پاکستان از نقشه آمریکا علیه تسلیحات هسته‌ای این کشور و اظهارات دیگر نیز تحسین و تجلیل از هند برای «مشاکت‌مهم» این کشور در بازسازی افغانستان، به درخواست از دهلوی، برای کمک به آمریکا در افغانست، شوک دیگری بود که بر پیکر پاکستان وارد شد.شکی در آن نیست که هند در حمایت از افغانستان صادق وراسخ بوده است، اما دولت‌های سابق آمریکا به ندرت از نقش هند در افغانستان

نشان خواهد داد.این در حالی است که پیشتر اهداف آمریکا در منطقه، از طریق تشکیلات نظامی پاکستان، تمهیل می شوند. بنابرین واشنگتن از اینکه واشنگتن آن‌ها را خلع سلاح خود که دارد؛ا توجه به تهدیدات امنیتی در جنوب آسیا،رئیس جمهور ترامپ، اما به حقیقت تلخ در پشت پرده تروریسم در افغانستان توضیحی نداده است. چراس پس از ۱۶ سال «جنگ تروریسم» توسط آمریکا و شش‌هزار کشته‌ی جدی نیستند که مخاصمان پاکستان در امور افغانستان و متوقف کند؟ درحقیقت متعالف ملی افغانستان در مورد پیامدهای استراتژی ترامپ نیز بیان کرد: -استراتژی نظامی آمریکاست، برای ایجاد صلح، آمریکا باید خود را متعهد به همکاری برای ایجاد رامنکارهای دیپلماتیک سیاسی‌کنده جز هند، استراتژی آمریکا در جنوب آسیا هیچ جامی دیگری در منطقه ندارد. واشنگتن باید آغوش خود را برای پذیرش

سه‌شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۶ - ۲۱ ذی‌الحجه ۱۴۳۸ - ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۷ - سال نود و دوم - شماره ۲۶۸۱۶

همکاری‌های منطقه‌ای باز کند؛ در غیر این صورت استراتژی جدید آمریکا در قبال افغانستان ادامه هجوم، اشغال و استعمار خواهد شد.استراتژی که «پراگنای»های پاکستان درباره افزایش نفوذ هند در افغانستان رسیده‌گی بود، اما پاکستان به عنوان یک «متحد استراتژیک» مطرح بود و دو کشور نیز «دشمن مشترکی» داشتند. اظهارات اخیر ترامپ تغییری ردیگابل در استراتژی واشنگتن را نشان می‌دهد، اما با این حال تنها زمان به ن نشان خواهد داد که رئیس جمهور فعلی آمریکا چقدر سخنان خود را در عمل

همشارد آمریکا به پاکستان نیز از حدی کافی برخوردار نیست، «فضل الرحمان اوری» کارشناس امور سیاسی و عضو ائتلاف ملی افغانستان اظهار داشت:اگرچه این استراتژی زوایه‌های مختلفی دارد اما تبدیل یکد به حکومت اشرف غنی که به فساد آغشته است تأمین کند زیرا آمریکا در حمایت از نظامی مردم-املاک و دموکراتیک شکست خورده است. این کارشناس امور سیاسی بر مسود ادعای ترامپ درباره پیروزی در جنگ افغانستان با اتخاذ استراتژی جدید، تصریح کرد: دونالد ترامپ نیز نمی‌تواند جنگ در افغانستان را برنده ششود زیرا آمریکا برای اجرای این استراتژی نیاز به همکاری حکومت افغانستان دارد اما چون حکومت کابل از حمایت مردمی برخوردار نیست و به فساد آغشته است بنابراین استراتژی جدیدواشنگتن نیز نمی‌تواند تصریح کرد.در استراتژی جدیدواشنگتن در تأیسی با حکومت وحدت ملی به‌رهبری اشرف غنی صورت گیرد، حکومتی کسه از نگاه قانونی خود مشکل کارشناس افغان درباره این‌که آیا پاکستان به پیشمره استراتژی جدید به همکاری با واشنگتن در افغانستان کمک خواهد کرد نیز گفت: شش‌هزار جدی که باعث توقف مداخلات بازیگران منطقه‌ای در افغانستان صورت نخواهد گرفت، بنابراین بازیگران منطقه‌ای و برخی از کشورهای همسایه ما مثل گدشته به بازی‌های خود در افغانستان ادامه خواهند داد.وی پاسخ کرد: شش‌هزار بخدی جدی نیستند که مخاصمان پاکستان در امور افغانستان و متوقف کند؟ درحقیقت متعالف ملی افغانستان در مورد پیامدهای استراتژی ترامپ نیز بیان کرد: -استراتژی نظامی واشنگتن با وضعیت موجود افغانستان حکومت افغانستان تأثیر دارد نخواهد شد. باید دامنه جنگ گسترش بیشتری خواهد یافت و در نتیجه هزینه جنگ و تلفات جانی آن نیز نسبت به گذشته افزایش

شرکت سرمایه گذاری شهر آتیه برگزار می کند

خرید مطمئن فرصتی برای سرمایه گذاری با تسهیلات دراز مدت

شرکت سرمایه گذاری شهر آتیه وابسته به بانک شهر در نظر دارد

نسبت به واگذاری تعدادی از املاک مزاد متعلق به خود واقع در شیراز از طریق مزایده عمومی اقدام نماید. متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر، بازدید و دریافت اسناد مزایده و ارائه پیشنهاد خود از تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۱۲ لغایت ۱۳۹۶/۰۶/۲۲ همه روزه به جز ایام تعطیل از ساعت ۸ صبح الی ۱۶ با مراجعه به واحد فروش املاک شرکت سرمایه گذاری شهر آتیه به نشانی: تهران، خیابان انقلاب، نرسیده به میدان فردوسی، خیابان پارس، کوچه جهاگیر، پلاک ۱۰، طبقه سوم، به شماره تلفن ۰۲۱-۵۴۶۱۸۳۰۷ و با دفتر نمایندگی شرکت در شهرستان شیراز به نشانی: ابتدای بلوار شهید چمران، روبروی کوچه نوزدهم، بانک شهر، طبقه ۴۸ مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۱-۳۲۶۴۴۶۵ تماس حاصل فرمایند. بازتشیای پاناک در روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۵ ساعت ۱۰ صبح توسط اعضاء کمیسیون مفاصلات انجام و قرانت خواهد شد. حضور شرکت کنندگان در جلسه فوق اختیاری می باشد.

هزینه خرید اسناد مزایده هر پاکت به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال است که متقاضی ابتدا باید مبلغ مذکور را به حساب شماره ۱۵۶۹۰۱۵۶۹۰۷۰۰ به نام شرکت سرمایه گذاری شهر آتیه نزد بانک شهر شعبه میدان آرژانتین، کد ۲۴۸ واریز و رسید آن را برای دریافت اسناد و اوراق مزایده ارائه نماید.

شرایط و نحوه شرکت در مزایده:

اول- ثبت سپرده شرکت در مزایده معادل ۵ درصد مبلغ پایه مندرج در آگهی می باشد که متقاضیان باید به شماره حساب ۷۰۰۶۰۱۵۶۹۰۷۰۰ نزد بانک شهر شعبه میدان آرژانتین، کد ۲۴۸ واریز و اصل قبض واریزی را همراه سایر مدارک مزایده به شرکت سرمایه گذاری شهر آتیه با نمایندگی آن در شهر شیراز تحویل و رسید دریافت نمایند.

۲- متقاضیان باید مبلغ پیشنهادی خود، همراه مدارک، اسناد امضا شده مزایده و اصل قبض سپرده شرکت در مزایده را در پاکت درسته قرار داده و

ردیف	ملک	متراژ (متر مربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات
۱	قطعه شماره ۱ پروین اعتصامی	۸۷۴,۴۹	۱۹,۲۸۶,۵۶۰,۰۰۰	کارتبری مسکونی
۲	قطعه شماره ۲ پروین اعتصامی	۶۸۸,۷۶	۱۵,۲۰۰,۲۲۴,۰۰۰	

نشانی: شیراز، ۴۵ متری بلوار پروین اعتصامی، روبروی بوستان ارغوان

• بلوک زمینیای پروین اعتصامی

ردیف	ملک	متراژ (مترمربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات
۱	طبقه دوم جنوب غربی	۲۱۵	۷,۷۰,۵۶۰,۰۰۰	همگی از بلوک شمالی
۲	طبقه دوم جنوب شرقی	۱۷۶۶	۶,۳۳۱,۹۹۴,۰۰۰	
۳	طبقه ششم جنوب غربی	۲۲۷۵	۸,۱۵۳,۶۰۰,۰۰۰	
۴	طبقه هشتم شرقی	۲۴۰	۸,۶۰۰,۱۶۰,۰۰۰	

نشانی: شیراز، ۱ بلوار چمران، پشت بیمارستان حافظ

آگهی تغییرات شرکت ساختمانی و تأسیساتی توسعه ابنیه فنی

به استناد صورتحسابمجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۱۸ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
-ترانزنامه و حساب سودوزبان سال مالی منتهی به ۱۳۹۵ تصویب گردید.
-سید علی خلیل اللهی به شماره ملی ۰۰۳۰۰۷۶۶۹۲ به سمت رئیس هیئتمدیره ومهدی دادمش به شماره ملی ۰۰۴۰۱۰۰۳۱۰۰۱ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و محمد حسین دامنش به شماره ملی ۰۰۴۰۱۰۰۳۱۰۰۱ به سمت عضو هیئت مدیره مدیر عامل و محمد حسین دامنش به شماره ملی ۰۰۴۰۱۰۰۳۱۰۰۱ به عنوان بازرس اصلی و محمد جی پرست کوپایه به شماره ملی ۰۰۵۶۱۲۰۰۴ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.
-روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۷۶۷۵۱)

آگهی تغییرات شرکت جم رایان سهامی خاص

به استناد صورتحسابمجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۱ تصمیات ذیل اتخاذشد:
-ترانزنامه و حساب سودوزبان سال مالی منتهی ۱۳۹۵/۱۲/۳۱ به تصویب رسید.
-محمد اسکندر ذاری کد ملی ۰۰۳۲۴۹۹۰۲۱۶ و محمد علینی ذاری کد ملی ۰۰۷۶۹۳۳۴۷ و مهدی دادان ذاری کد ملی ۰۰۹۴۳۹۹۱۸۷ به سمت اعضای هیئتمدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
-موسسه حسابرسی آریژم دگان به شناسه ملی ۰۰۲۵۲۳۳۹۰۲ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی اطهر به شناسه ملی ۰۰۱۰۰۱۷۷۶۶۱ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.
-روزنامه کثیرال انتشاراطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها وموسسات غیرتجاری تهران
(۷۶۷۴۹)

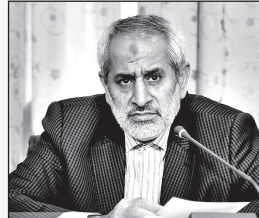
شرکت سرمایه گذاری

شهر آتیه

شماره مزایده: ۱۶/۱

• واحدهای تجاری موسوم به حضرت علی (۸۷ واحد)

ردیف	شماره واحد تجاری	متراژ (مترمربع)	قیمت پایه (ریال)	ردیف	شماره واحد تجاری	متراژ (مترمربع)	قیمت پایه (ریال)
۱	واحد شماره ۱	۱۴,۸۲	۶,۵۶۵,۰۰۰,۰۰۰	۲۵	واحد شماره ۲۵	۲۷,۵۹	۷,۲۷۵,۰۰۰,۰۰۰
۲	واحد شماره ۲	۱۵,۸۹	۷,۴۹۸,۰۰۰,۰۰۰	۲۶	واحد شماره ۲۶	۲۹,۳۴	۵,۷۱۰,۰۰۰,۰۰۰
۳	واحد شماره ۳	۲۷,۸۰	۱۲,۵۷۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۷	واحد شماره ۲۷	۱۵,۰۲	۵,۷۵۷,۰۰۰,۰۰۰
۴	واحد شماره ۴	۲۲,۵۶	۱۰,۱۵۲,۰۰۰,۰۰۰	۲۸	واحد شماره ۲۸	۳۰,۹۸	۸,۶۷۴,۰۰۰,۰۰۰
۵	واحد شماره ۵	۴۰,۷۸	۱۷,۵۲۵,۰۰۰,۰۰۰	۲۹	واحد شماره ۲۹	۳۳,۴۳	۷,۱۷۰,۰۰۰,۰۰۰
۶	واحد شماره ۶	۴۶,۷۲	۲۰,۸۰۹,۰۰۰,۰۰۰	۳۰	واحد شماره ۳۰	۳۱,۰۹	۷,۱۷۰,۰۰۰,۰۰۰
۷	واحد شماره ۷	۱۷,۹۰	۷,۸۷۶,۰۰۰,۰۰۰	۳۱	واحد شماره ۳۱	۱۷,۳۱	۶,۲۳۵,۰۰۰,۰۰۰
۸	واحد شماره ۸	۱۷,۴۰	۷,۹۷۶,۰۰۰,۰۰۰	۳۲	واحد شماره ۳۲	۳۲,۵۵	۶,۶۷۲,۰۰۰,۰۰۰
۹	واحد شماره ۹	۲۱,۹۱	۸,۹۸۱,۰۰۰,۰۰۰	۳۳	واحد شماره ۳۳	۲۲,۰۲	۷,۴۶۸,۰۰۰,۰۰۰
۱۰	واحد شماره ۱۰	۲۰,۷۸	۸,۵۹۱,۰۰۰,۰۰۰	۳۴	واحد شماره ۳۴	۲۱,۲۰	۹,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۱	واحد شماره ۱۱	۲۲,۶۲	۹,۲۷۲,۰۰۰,۰۰۰	۳۵	واحد شماره ۳۵	۱۹,۷۰	۸,۶۳۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۲	واحد شماره ۱۲	۲۷,۳۶	۱۰,۵۳۱,۰۰۰,۰۰۰	۳۶	واحد شماره ۳۶	۲۱,۸۱	۹,۸۱۳,۰۰۰,۰۰۰
۱۳	واحد شماره ۱۳	۱۹,۰۵	۶,۲۶۸,۰۰۰,۰۰۰	۳۷	واحد شماره ۳۷	۳۰,۲۹	۹,۱۱۳,۰۰۰,۰۰۰
۱۴	واحد شماره ۱۴	۲۲,۹۸	۸,۲۰۳,۰۰۰,۰۰۰	۳۸	واحد شماره ۳۸	۱۹,۴۵	۷,۰۳۱,۰۰۰,۰۰۰
۱۵	واحد شماره ۱۵	۲۳,۱۹	۸,۵۹۷,۰۰۰,۰۰۰	۳۹	واحد شماره ۳۹	۱۲,۲۵	۶,۹۷۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۶	واحد شماره ۱۶	۲۶,۵۱	۸,۲۲۴,۰۰۰,۰۰۰	۴۰	واحد شماره ۴۰	۲۱,۹۸	۷,۶۹۳,۰۰۰,۰۰۰
۱۷	واحد شماره ۱۷	۲۵,۸۱	۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۱	واحد شماره ۴۱	۱۹,۹۰	۶,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۸	واحد شماره ۱۸	۲۵,۳۲	۷,۸۵۷,۰۰۰,۰۰۰	۴۲	واحد شماره ۴۲	۲۰,۲۵	۶,۶۸۲,۰۰۰,۰۰۰
۱۹	واحد شماره ۱۹	۲۶,۹۶	۷,۵۷۶,۰۰۰,۰۰۰	۴۳	واحد شماره ۴۳	۲۰,۶۸	۸,۰۶۵,۰۰۰,۰۰۰
۲۰	واحد شماره ۲۰	۲۵,۴۰	۷,۲۴۴,۰۰۰,۰۰۰	۴۴	واحد شماره ۴۴	۲۳,۰۰	۱۰,۰۱۴,۰۰۰,۰۰۰
۲۱	واحد شماره ۲۱	۳۰,۷۲	۸,۲۹۱,۰۰۰,۰۰۰	۴۵	واحد شماره ۴۵	۳۹,۹۰	۱۱,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۲	واحد شماره ۲۲	۳۰,۳۴	۹,۰۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۶	واحد شماره ۴۶	۳۲,۴۴	۱۲,۲۷۸,۰۰۰,۰۰۰
۲۳	واحد شماره ۲۳	۳۷,۰۰	۱۰,۲۲۴,۷۰۰,۰۰۰	۴۷	واحد شماره ۴۷	۴۲,۴۶	۱۲,۲۷۸,۰۰۰,۰۰۰
۲۴	واحد شماره ۲۴	۲۵,۵۳	۷,۹۱۴,۰۰۰,۰۰۰	۴۸	واحد شماره ۴۸	۳۲,۱۹	۹,۶۳۵,۰۰۰,۰۰۰
۲۵	واحد شماره ۲۵	۲۵,۸۰	۷,۹۸۸,۰۰۰,۰۰۰	۴۹	واحد شماره ۴۹	۲۷,۰۲	۹,۴۶۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۶	واحد شماره ۲۶	۲۶,۴۲	۷,۹۴۶,۰۰۰,۰۰۰	۵۰	واحد شماره ۵۰	۲۷,۰۲	۹,۴۶۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۷	واحد شماره ۲۷	۲۶,۲۸	۷,۸۸۴,۰۰۰,۰۰۰	۵۱	واحد شماره ۵۱	۲۷,۱۵	۹,۴۱۷,۰۰۰,۰۰۰
۲۸	واحد شماره ۲۸	۳۶,۲۰	۱۰,۰۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۲	واحد شماره ۵۲	۱۵,۲۹	۶,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۹	واحد شماره ۲۹	۳۶,۰۰	۱۰,۰۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۳	واحد شماره ۵۳	۱۵,۲۲	۶,۲۲۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۰	واحد شماره ۳۰	۳۷,۰۷	۱۱,۱۲۱,۰۰۰,۰۰۰	۵۴	واحد شماره ۵۴	۱۷,۳۶	۶,۷۰۷,۰۰۰,۰۰۰
۳۱	واحد شماره ۳۱	۳۶,۵۰	۱۰,۹۵۸,۰۰۰,۰۰۰	۵۵	واحد شماره ۵۵	۱۳,۰۴	۴,۸۱۶,۰۰۰,۰۰۰
۳۲	واحد شماره ۳۲	۳۸,۴۴	۱۰,۵۲۷,۰۰۰,۰۰۰	۵۶	واحد شماره ۵۶	۳۳,۷۸	۱۲,۲۷۸,۰۰۰,۰۰۰
۳۳	واحد شماره ۳۳	۳۱,۶۱	۹,۹۸۲,۰۰۰,۰۰۰	۵۷	واحد شماره ۵۷	۳۱,۰۲	۹,۱۳۴,۰۰۰,۰۰۰
۳۴	واحد شماره ۳۴	۳۰,۵۷	۹,۱۷۱,۰۰۰,۰۰۰	۵۸	واحد شماره ۵۸	۱۴,۲۰	۶,۲۴۸,۰۰۰,۰۰۰
۳۵	واحد شماره ۳۵	۱۵,۱۴	۶,۸۱۳,۰۰۰,۰۰۰	۵۹	واحد شماره ۵۹	۲۳,۶۶	۱۲,۲۷۸,۰۰۰,۰۰۰
۳۶	واحد شماره ۳۶	۱۴,۸۲	۶,۰۸۴,۰۰۰,۰۰۰	۶۰	واحد شماره ۶۰	۳۳,۱۶	۱۲,۲۶۹,۰۰۰,۰۰۰
۳۷	واحد شماره ۳۷	۱۹,۵۲	۷,۷۶۸,۰۰۰,۰۰۰	۶۱	واحد شماره ۶۱	۳۹,۱۵	۱۱,۷۵۵,۰۰۰,۰۰۰
۳۸	واحد شماره ۳۸	۱۹,۳۲	۷,۴۴۷,۰۰۰,۰۰۰	۶۲	واحد شماره ۶۲	۴۱,۷۸	۱۱,۶۴۷,۰۰۰,۰۰۰
۳۹	واحد شماره ۳۹	۲۴,۰۵	۱۰,۴۶۶,۵۰۰,۰۰۰	۶۳	واحد شماره ۶۳	۳۹,۷۷	۱۱,۷۷۱,۰۰۰,۰۰۰
۴۰	واحد شماره ۴۰	۴۴,۱۲	۱۰,۷۰۴,۰۰۰,۰۰۰	۶۴	واحد شماره ۶۴	۳۹,۷۷	۱۱,۷۷۱,۰۰۰,۰۰۰
۴۱	واحد شماره ۴۱	۲۴,۰۵	۸,۲۹۶,۰۰۰,۰۰۰	۶۵	واحد شماره ۶۵	۳۹,۸۰	۱۱,۷۷۱,۰۰۰,۰۰۰
۴۲	واحد شماره ۴۲	۲۳,۳۸	۷,۹۴۸,۰۰۰,۰۰۰	۶۶	واحد شماره ۶۶	۳۹,۳۴	۱۱,۷۷۱



سرویس خبر:
نهمین نشست شورای معاونان دادستانی تهران با موضوع تحقیقات پرونده‌های قضایی، با حضور شماری از معاونان دادستان، سرپرستان نواحی و روسای دوایر نظارت بر زندان‌ها و بازپرسان ۳ ناحیه از نواحی دادسرا، به ریاست عباس جعفری دولت آبادی دادستان تهران برگزار شد.

دادستان تهران، رابزین‌های انجام گرفته از ناحیه دولت در حمایت از مسلمانان میانمار را مثبت تلقی کرد و اظهار داشت: به رغم آن که نهادهای حقوق‌المللی متولی امر نسبت به وضع فعلی کشور بشیر در جمهوری اسلامی ایران، مستند به برخی گزارش‌های کذب، ادعاهای خلاف واقع را مطرح می‌کنند اما همین نهادهای نسبت به جنایات میانمار سکوت کرده‌اند.

جعفری دولت‌آبادی افزود: جنایاتی که دولت میانمار به دست برنده جایزه صلح نوبل انجام می‌دهد، روسیاهی تمام برای طرفداران حقوق بشر است.

او به آمار جهانی تصادفات رانندگی اشاره کرد و افزود: در هر ۱۰۰ هزار نفر در اروپا ۱۲ نفر، در آمریکا ۱۶ نفر، در آفریقا ۲۶ نفر، در آسیای جنوب شرق ۱۷ نفر و در غرب مدیترانه ۱۰ نفر بر اثر تصادفات فوت می‌کند.

وی با اشاره به تصادف اتوبوس حامل دانش‌آموزان دختر در استان فارس، به برخی حوادث مشابه رخ داده در کشور از سال ۷۶ به بعد، از جمله حادثه غرق شدن شماری از دانش‌آموزان در پارک شهربان تهران اشاره کرد و به لحاظ وقوع ۹ مورد حادثه در جریان برگزاری اردوهای دانش‌آموزی در سال گذشته، نظارت دستگاه‌های دولتی مرتبط با این اردوها و تأمین امنیت مسافران و دانش‌آموزان را امری ضروری دانست.

جعفری دولت آبادی تخطی از سرعت مطمئنه، کیفیت پایین خودروها، مشکلات سیستم ایمنی خودروها، وضع جاده‌ها و عدم جعفری دولت‌آبادی همچنین استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی نظیر تلگرام، توئیتر، فیس‌بوک و اینستاگرام و مشکلات اخلاقی حادث در این شبکه‌ها را از دیگر معضلات فضای مجازی دانست و اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین مشکلات ایران با فضا مجازی، دشواری‌های ناشی از عدم شناسایی و احراز هویت کاربران است.

وی بر ضرورت راه اندازی شبکه ملی تأکید کرد و گفت: چند سال است که مقام معظم رهبری این موضوع را مطالبه کرده‌اند و جزو وظایف جدی شورای عالی فضای مجازی بوده که کشور یک شبکه ملی داشته باشد تا بتواند مانند برخی کشورها، محتوای سالم را ارائه کند.

جعفری دولت آبادی: جنایات دولت میانمار روسیاهی برای

طرفداران حقوق بشر است

مهارت رانندگان را از جمله عوامل اصلی بروز تصادفات در ایران دانست.

آمار فزاینده جرائم اخلاقی در فضای مجازی

دادستان تهران با اشاره به وظایف دادرسی ناحیه ۳۱ مربوط به جرائم رایانه‌ای، اظهار داشت: آزادی‌های نامحدود و گسترده فضای مجازی، تنوع اطلاعات و داده‌ها بر رغبت نوجوانان و جوانان برای استفاده از آن افزوده است؛ اما چنان‌ای بودن، جالبیت، گستره کاربران، تنوع اطلاعات و دسترسی آسان به این فضا آسیب‌هایی را در پی داشته است، وی از جمله این آسیب‌ها را سوء استفاده از فضای مجازی برای ترویج فرهنگ و سبک زندگی غربی، نقض گسترده حریم خصوصی افراد، نقض ارزش‌های دینی و اخلاقی، ترویج امور مبتذل و مسخ‌چین دانست و اظهار داشت: فضای مجازی همچنین به ابزاری برای کسب درآمد نامشروع تبدیل شده است.

دادستان تهران به تهدیدهای راجع به ترویج فساد، فحشا، تشکیل خاندان‌های فساد و تبلیغ روسپی‌گری در فضای مجازی اشاره کرد و اظهار داشت: آسیب‌ها و تهدیدهای ناشی از آن، متوجه تمام اقتدار جامعه است و اختصاص به طیف و قشر سنی خاصی ندارد؛ این در حالی است که در برخی کشورها سطح و میزان دسترسی افراد و سنین مختلف به فضای مجازی متفاوت است و اینترنت‌های خاصی برای کودکان و نوجوانان طراحی شده که با کاهش آسیب‌ها مواجه است.

جعفری دولت‌آبادی همچنین فعالیت اصناف غیرمجاز در تهران اظهار داشت: به دستور دادستانی تهران، پلیس از هفته گذشته برخورد با واحدهای صنفی غیرمجاز را آغاز کرده و تاکنون ۸۰ مرکز غیرمجاز پلمب و از ۱۴۰ مرکز بازرسی انجام شده است.

وی ضمن اشاره به ضرورت ساماندهی فعالیت دستفروش‌ها، اظهار داشت: به صرف ضعیف بودن این قشر نمی‌توان از اقدامات غیرقانونی برخی افراد فاقد مجوز چشم‌پوشی کرد.

صورت قرار نهایی پرونده پرتوشیمی

جعفری دولت‌آبادی اعلام کرد: یکی از پرونده‌های مهم دادرسی تهران پروشیمی است که در ناحیه ۳۶ دادرسی رسیدگی می‌شود.

وی افزود: در این پرونده ارزشهای کلانی که ناشی از صادرات محصولات پرتوشیمی است توسط متهمان مورد سوءاستفاده شخصی قرار گرفته و ازهای حاصل از آن طبق مقررات تحول وزارت نفت نشده است.

آرزوی ۳کودک مبتلا به سرطان در اهواز برآورده شد

کارتنی برگزار شد.

هدی رشیدی مسئول موسسه فرهنگی و هنری پنجمین فصل تشنگ دره‌هاه در برگزاری این مراسم اظهار داشت: در این مراسم ۳ دخترچه مبتلا به بیماری سرطان از آرزوی خود رسیدند.

وی افزود: این کودکان بیمار به جای این که دوران کودکی خود را به بهترین شکل ممکن و با بازی‌های کودکانه بگذرانند با درد و رنج دست و پنجه نرم کردند.

او ادامه داد: این برنامه قرار بود ۳ هفته پیش برگزار شود اما یکی از این کودکان شرایط جسمی خوبی نداشت و همین امر اجرای برنامه را به تأخیر انداخت.

رشیدی افزود: در برخی از مواقع با هیچ سرمایه‌ای نمی‌توان در این کودکان انگیزه دره‌هاه را برگزای این مراسم است که می‌توان آموختن لازم را برای این فرشتگان کوچک فراهم کرد. وی ادامه داد: افزایش بیم به زندگی این کودکان یکی از اهداف اصلی این موسسه است.

که تاکنون برای بیش از ۲۰۰ کودک مبتلا به سرطان در خوزستان چنین برنامه‌ای برگزار شده است.

وی یادآورشد: همیاران پی‌نام از زیرمجموعه‌های این موسسه است که بدون هیچ چشم‌داشتی با تمام وجود در این عرصه تلاش می‌کنند.

دستگیری شمار زیادی سارق و مالخر در تهران



سرویس حوادث: رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ جزئیات اجرای طرح سراسری برخورد با مالخران را تشریح کرد.

سردار عباسعلی محمدیان افزود: با دستور رئیس پلیس پایتخت، طرح کنترل واحدهای صنفی و برخورد با خرید و فروش اموال مسروقه در دستور کار قرار گرفت و در مرحله اول اجرایی این طرح بیش از ۱۰۰۰ واحد صنفی کنترل و بررسی شد که در بررسی‌های انجام شده از ۱۰۰ واحد و ۳۸۹۴۰۷۸۹ کی‌میلی ۳۱۱۶۰۱۱ نفر این شورا ارجاع صنفی، اموال مسروقه کشف شد که این افراد دستگیر شدند.

وی گفت: اقدامات مشکوکی در حدود ۷۰ واحد صنفی انجام شده بود که همکاران من در حال بررسی و تفصیل اطلاعات اموال موجود در آنها هستند و در صورتی که مسروقه بودن این اموال ثابت شود، اقدام به دستگیری آنها خواهد شد.

محمدیان از دستگیری ۷۳ سارق و ۲۴ ساعت گذشته خبر داد و افزود: برخی از این سارقان را به این مالخرا محبوس کرده و برخی دیگر نیز توسط سازمان پلیس شناسایی و دستگیر شدند. به گفته وی، یک گروه از سارقان با ایجاد کارگاهی اقدام به ستندرنه و تغییر اصالت خودروهای

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی به تاریخ ۱۶/۹/۹۶ وقت فوق‌العاده جلسه شورای حل اختلاف شماره یک سوران به تصدی امضاکنندگان تشکیل است و محتویات پرونده کلاسه ۱۴۴- ۹۶ دعوی آقای عثمان قلندرزی قهرزد عبدالغفار به طرفیت آقای رسول کدوری فرزند ولی‌الله به شماره ۳۹۷۴-۱۱ کی‌میلی ۳۱۱۶۰۷۸۹-۳۱ این شورا ارجاع گردیده فلذا با توجه به این که خوانده مجهول‌المکان می‌باشد با توجه به ماده ۳ قانون آیین دادرسی در امور مدنی توجه‌ا به این موضوع که وقت رسیدگی آن روز مورخه ۱۹/۹/۱۳۹۶ ساعت ۱۱ تعیین گردیده به مشارع ابلاغ می‌گردد بافلاصله پس از رویت این آگهی در این شورا حاضر و در غیر این صورت قانونی اتخاذ می‌گردد.

مسئول دفتر شورای حل اختلاف شعبه ۱ شورای حل اختلاف بخش سیب سوران یاسر هبیت شیخ سوردانی

باسج:مراسم تشییع و تدفین شهید سرگرد سید عبدالخالق فرزادیان از جلو سرتاسر نظامی استان کهگیلویه و بویراحمد در میدان امام حسین(ع) شهر یاسوج به دستور پرسشکوه مردم و مسئولان به سمت میدان معلم برگزار و پس از اقام نماز برای خاکسپاری به زادگاهش روستای سیدیار مرکزی منتقل شد. شهید سرگرد عبدالخالق شهید اعلام کرده است که در ادامه با خودسران پرآید روشن مواجه می‌شود و این موضوع باعث ناامین می‌گردد و در صورتی که ما ناامین می‌شویم روشن است بایبید سوار شویم و پیاده رویم و اینگونه ماشین را سرفت

وی اضافه کرد: منجم ردیف اول «محمد» این اعمال را با اظهارات خمر و حمل مواد مخدر و درگیری با مأموران پلیس را در پرونده خود دارد. وی از اظهارات خود اعلام کرده که روز حادثه به دنبال تهیه مواد مخدر با یک موتور بر بخورد می‌کند که قفل بوده و نتوانسته آن را سرفت کند.

شهرداری اظهار داشت: متهم در اتمه اقرارش اظهار اعلام کرده است که در ادامه با خودسران پرآید روشن مواجه می‌شود و این موضوع باعث ناامین می‌گردد و در صورتی که ما ناامین می‌شویم روشن است بایبید سوار شویم و پیاده رویم و اینگونه ماشین را سرفت

در یاسوج

باسج:مراسم تشییع و تدفین شهید

سرگرد سید عبدالخالق فرزادیان از جلو

سرتاسر نظامی استان کهگیلویه و بویراحمد

در میدان امام حسین(ع) شهر یاسوج

به دستور پرسشکوه مردم و مسئولان به

سمت میدان معلم برگزار و پس از اقام

نماز برای خاکسپاری به زادگاهش

روستای سیدیار مرکزی منتقل شد. شهید

سرگرد عبدالخالق شهید اعلام کرده است

که در ادامه با خودسران پرآید روشن مواجه

می‌شود و این موضوع باعث ناامین

می‌گردد و در صورتی که ما ناامین

می‌شویم روشن است بایبید سوار شویم و

پیاده رویم و اینگونه ماشین را سرفت

اخبار داخلی

دادستان کل کشور: تعرض به منابع ملی معضل بزرگ کشور شده‌است

جذبت و قاطعیت و بدون ملاحظه و توصیه وارد صحنه شوند و نگذارند عملدای گردن کلفت پولدار و مرفه بی درد به حرم رودخانه‌ها، جنگل‌ها و دریاها تجاوز کنند.

دادستان کل کشور افزود: تا کی باید در خواب باشیم؟ باید دانست‌ها از خواب‌پیار شوند و نگذارند فاجعه از این وضع عمیق‌تر شود. وی کم کاری و کوتاهی مسئولان را سبب وقوع چنین فاجعه‌ی در اراضی ملی دانست و گفت: کوتاهی دادستان‌ها و برخی از وزرا آموزش عمومی مردم را به این حال و روز نشانده است.

دادستان کل کشور افزود: مگر امکان دارد یک شبه کوه را ببرند و چنین ویلایی بسازند کی مسئول این فاجعه ملی است.

نیازمند قاضی وکیل انقلابی هستیم
دادستان کل کشور گفت: گفتگوهایی قضایی نیازمند قاضی انقلابی است که متأسفانه کم داریم، و از عرصه وکالت‌اعم از کانون وکلا، مراکز مشاوران و وکلا، نیز به شدت نیازمند انسان‌های بسنجی و معتقد به مابقی انقلاب هستیم.

حجت الاسلام والمسلمین محمد جعفر منتظری عصر دیروز در دوره مقدماتی حقوقدان در مسیر انقلاب اسلامی در مجتمع پارون مهدی(ص) قم افزود: کمبود قضاوت و وکلای انقلابی را بنده با همه وجود احساس می‌کنم. وی با اشاره به اینکه ما ۱۰ هزار قاضی امروز در دستگاه قضایی داریم، رهبر معظم انقلاب در مآلاتی به مناسبت هفته قوه قضاییه، توصیه‌ها و رهنمودهایی داشتند که یک جمله آن بسیار بارز است: «ما باید امروز دستگاه قضایی باید صد درصد انقلابی باشد»، این برای ما محبت است.

او گفت: رهبرمعظم انقلاب در آن دیار ۵ تا ۶ شاخص را مطرح کردند و ما وقتی امروز این شاخص‌ها را می‌سنجیم، فاصله‌ها زیاد است، و سازمان بسج حقوقدانان باید زودتر از حالا، چنین فعالیت‌های را آغاز می‌کردند. منتظری اظهار داشت: متأسفانه شنیدم دیر حرکت کردیم و آسیب این دیر حرکت کردن را نیز مشاهده می‌کنیم.

وی ادامه داد: انسان‌های خوب، ارسته

رئیس پلیس تهران: ترافیک به چالش برانگیز ترین مسأله شهری تبدیل شده است

سرویس حوادث: امروز موضوع ترافیک، از مهمترین و چالش برانگیزترین مسایل شهری محسوب می‌شود و به‌طور ویژه در تدابیر و برنامه‌های ما قرار دارد.

سردار حسین رحیمی دیروز در بازدید از پلیس راهنمایی و رانندگی تهران با این خیر، افزود: هدف ما ایجاد ترافیکی روان و سبک برای مردم است، چرا که مسأله ترافیک، امروز از جمله مهمترین دغدغه‌های مردم است که ما به دنبال حل آن هستیم. منتظری اظهار داشت: ترافیک در کلان‌شهرها به شکل و شکلی متفاوت است. در تهران، ترافیک به شکل دیگری درآمده است. در تهران، ترافیک به شکل دیگری درآمده است. در تهران، ترافیک به شکل دیگری درآمده است.

منتظری اظهار داشت: ترافیک در کلان‌شهرها به شکل دیگری درآمده است. در تهران، ترافیک به شکل دیگری درآمده است. در تهران، ترافیک به شکل دیگری درآمده است.

منتظری اظهار داشت: ترافیک در کلان‌شهرها به شکل دیگری درآمده است. در تهران، ترافیک به شکل دیگری درآمده است. در تهران، ترافیک به شکل دیگری درآمده است.

منتظری اظهار داشت: ترافیک در کلان‌شهرها به شکل دیگری درآمده است. در تهران، ترافیک به شکل دیگری درآمده است. در تهران، ترافیک به شکل دیگری درآمده است.

منتظری اظهار داشت: ترافیک در کلان‌شهرها به شکل دیگری درآمده است. در تهران، ترافیک به شکل دیگری درآمده است. در تهران، ترافیک به شکل دیگری درآمده است.

گریه حضار در جلسه محاکمه متهمان قتل بنیتا

کرده در حالی که یک کودک خردسال در ماشین گریه می‌کرد.

وی ادامه داد: پس از سرفت خودرو پدرش درحالی که درآن بود، برآثر گرسنگی و تشنگی جان باخت، در دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محمدلی کشکریلی برگزار شد.

شود نماینده دادستان درکیفرخواست خواستار قصاص ضمن اصرار پرونده به ملا عام شد.

بنیتا که با حضور اولیای دم،متهمان، نماینده دادستان و توسط بازکار دشمن، کیفرخواست و حکم صادر شد.

شهرداری به عنوان نماینده دادستان قرائت شد.

بنیتا که با حضور اولیای دم،متهمان، نماینده دادستان و توسط بازکار دشمن، کیفرخواست و حکم صادر شد.

شهرداری به عنوان نماینده دادستان قرائت شد.

بنیتا که با حضور اولیای دم،متهمان، نماینده دادستان و توسط بازکار دشمن، کیفرخواست و حکم صادر شد.

شهرداری به عنوان نماینده دادستان قرائت شد.

بنیتا که با حضور اولیای دم،متهمان، نماینده دادستان و توسط بازکار دشمن، کیفرخواست و حکم صادر شد.

شهرداری به عنوان نماینده دادستان قرائت شد.

بنیتا که با حضور اولیای دم،متهمان، نماینده دادستان و توسط بازکار دشمن، کیفرخواست و حکم صادر شد.

ظلم و ستم و جنایت را در کشورهای مختلف روا می‌دارند و امروز در میانمار اینگونه جنایات می‌کنند و صدای کسی هم در نمی‌آید.

دادستان کل کشور اضافه کرد: در کمال تأسف، آنها به آن فرد ضد بشریت، مدال افتخار هم می‌دهند. اگر یک فرد غربی و آمریکایی در گوشه‌ای از جهان خون از دماغ او درآید، صدای همه آنها بلند می‌شود ولی در عراق این همه جنایت کرده و در نهایت در دادگاه‌های آمریکا می‌گویند باید بیاد خسارت کشته‌های آنها را در عراق ببردارد.

منتظری افزود: حقوقدان بسنجی با اندیشه خود باید فرایک ظلم و سستم باشند، فریادها امروز درکشور ما بلند شده و ما نیز نشست بکلی می‌رویم بررسی کنیم که این فاجای چه بعدی می‌توانیم انجام دهیم و رسالت خود را به جا آوریم.

وی گفت: مستحبران مردم کشوری را از سسرزمین خود بیرون می‌کنند و کشورهای دیگرهم آنها را راه نمی‌دهند و مدعیان حقوق بشر جمع می‌شوند و می‌گویند چون در ایران یک جاسوس آمریکایی دستگیر شده، پس ما حامی ترورست هستیم.

منتظری ادامه داد: فردی که برای دشمنان جاسوسی می‌کرد، دستگیر و همه مراحل قانونی طی می‌شود و در نهایت به ۵ یا ۱۰ سال حبس محکوم شد، آمریکا چه سر و صدایی راه انداخته است؟

وی خطاب به دانشجویمان رشته حقوق و حقوقدانان حاضر در نشست گفت: شما باید در چنین شرایطی باید به میدان حقوقدانی پای بگذارید، این کار سخت و پرهزینه است و باید با خدای خود عهد و پیمان ببندید و استوار و ناکره، مداند. منتظری خاطرنشان کرد: اگر خدای شما از این فراموش اندوزی بپسندید در پست قضاوت آلوده خواهید شد و وکالت نیز برای شما بازار پول می‌شود و این خطر، امروز بازار وکالت را با تهدید می‌کند.

دوره مقدماتی حقوقدان در طراز انقلاب اسلامی با حضور ۱۸۰ تن دانشجویمان سراسر کشور به مدت یک هفته در قم انجام داد.

بازداشت ۳فعال فرقه انحرافی عرفان حلقه

سرویس حوادث: ۳ فعال عرفان حلقه که در ایجاد همهجای حقوق بشری و کمپین‌های به ظاهر بین‌المللی نقش داشتند، دستگیر شدند.

این ۳ نفر در اقامی از سوی سربازان گنم امام زمان (عج) بازداشت شدند.

مهدی، شهیدزاده و علی از افراد مؤثر در ایجاد همهجای حقوق بشری و کمپین‌های به ظاهر بین‌المللی هستند. همچنین در روزهای گذشته ۱۰ نفر از فعالان این فرقه که بعد از اعلام حکم اعلام سرکرده فرقه، به منظور طراحی و سرپرستی تحصن پوشیدن کفن و برخی دیگر از اقدام‌های امنیتی به منظور تفتیش فشار قرار دادن دستگاه قضایی در منزل یکی از فعالان به بهانه میهمانی جمع شده بودند، در شهری، دستگیر شدند.

کشف قلیان ساخته شده از ماده مخدر شیشه

سرویس حوادث: مأموران کل ایران در جدیدترین عملیات مبارزه با مواد مخدر موفق شدند قلیانی را کشف کنند که از ماده مخدر شیشه ساخته شده بود.

در این عملیات ۲ کیلو و ۳۲۰ گرم ماده مخدر شیشه که قاچاقچیان به شکل قلیان در خودرو بودند، در قصد داشتند این ماده مخدر را از طریق یک بسته پستی جابه‌جا کنند. کشف شد. قاچاقچیان این مقاصد خود را مخفی کردند که از نوع متافتمین باقی‌مانده بود، با گذر از حصار و قالب صنایع دستی به شکل قلیان کامل طراحی و با مواد رنگر و اکلیل ساخته شده است.

بوند و به طرز ماهرانه ای در تزیین کشف‌های مختلف قلیان درآورده و سپس با روکش‌های مخصوص سر هم کرده بودند. اما مأموران کل امانات پستی فرودگاه امام خمینی (ره) با هوشیاری به این ترفند پیچیده قاچاقچیان پی بردند و موفق شدند این میزان ماده مخدر از نوع شیشه را کشف و ضبط کنند.

علت این حادثه براساس اعلام پلیس راهور خودروی راننده اعلام شده است. رئیس کل بیمه مرکزی ایران گفت: ۵۱ میلیون تومان به عنوان‌علی‌الحساب به خانوادهای دانش‌آموزان فوت شده و معمدولان حادثه اتوبوس در هرگزگان پرداخت شده است.

عبدالناصر همتی با اشاره به پیگیری مدیرعامل شرکت بیمه دادا به عنوان بیمه گر افزود: به ازای هر دانش‌آموز فوت شده ۲۹۹ میلیون تومان شامل ۲۸۰ میلیون تومان به عنوان بیمه و ۱۹ میلیون تومان بیمه‌حادثه (بیمه پایانه مسافری) پرداخت می‌شود و همه افراد قطع عضو و معمدول هم به محض اعلام حکم دلگه پرداخت خواهد شد.

«محمد.» و متهم ردیف اول در جایگاه حاضر شد و گفت: ۲۷ سال سن دارم و موتور سائزهای تهران و ساکن پاکدشت هستم. بار اول و دوم و سوم در سال ۹۱ به اتهام فروش مواد مخدر دستگیر و به زندان محکوم شدم. بار سوم به علت فروش مشروبات و دزگیری دستگیر شدم و شلاق خوردم. در مرحله بعدی به شلاق سرفت داخل خودرو دستگیر شدم و از سال ۸۵ به مواد مخدر اعتیاد پیدا کردم.

رئیس دادگاه خطاب به متهم گفت: با توجه به شکایات اولیای دم و نظریه پزشکی قانونی و علت فوت و بازسازی صحنه جرم با پرسدگی در جایگاه حاضر شد و گفت: سبب مرگ من موتور سائزهای تهران و ساکن پاکدشت هستم. بار اول و دوم و سوم در سال ۹۱ به اتهام فروش مواد مخدر دستگیر و به زندان محکوم شدم. بار سوم به علت فروش مشروبات و دزگیری دستگیر شدم و شلاق خوردم. در مرحله بعدی به شلاق سرفت داخل خودرو دستگیر شدم و از سال ۸۵ به مواد مخدر اعتیاد پیدا کردم.

رئیس دادگاه خطاب به متهم گفت: با توجه به شکایات اولیای دم و نظریه پزشکی قانونی و علت فوت و بازسازی صحنه جرم با پرسدگی در جایگاه حاضر شد و گفت: سبب مرگ من موتور سائزهای تهران و ساکن پاکدشت هستم. بار اول و دوم و سوم در سال ۹۱ به اتهام فروش مواد مخدر دستگیر و به زندان محکوم شدم. بار سوم به علت فروش مشروبات و دزگیری دستگیر شدم و شلاق خوردم. در مرحله بعدی به شلاق سرفت داخل خودرو دستگیر شدم و از سال ۸۵ به مواد مخدر اعتیاد پیدا کردم.

رئیس دادگاه خطاب به متهم گفت: با توجه به شکایات اولیای دم و نظریه پزشکی قانونی و علت فوت و بازسازی صحنه جرم با پرسدگی در جایگاه حاضر شد و گفت: سبب مرگ من موتور سائزهای تهران و ساکن پاکدشت هستم. بار اول و دوم و سوم در سال ۹۱ به اتهام فروش مواد مخدر دستگیر و به زندان محکوم شدم. بار سوم به علت فروش مشروبات و دزگیری دستگیر شدم و شلاق خوردم. در مرحله بعدی به شلاق سرفت داخل خودرو دستگیر شدم و از سال ۸۵ به مواد مخدر اعتیاد پیدا کردم.

شبه شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۶ - ۲۱ ذی‌الحجه ۱۴۳۸ - ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۷ - سال نو و دوم - شماره ۲۶۸۱۶

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@etelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:

• موضوع پیام‌ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و با قضایی نداشته باشد.

• پیام‌ها صحیح و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.

• خوانندگان محترم شهرداری را پیام‌هایشان نام شهردارن مربوطه را بیان فرمایند.

• چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکر- سرویس ارتباطات مردمی

سازمان ثبت احوال رسماً اعلام کند

من و همسر هم در دو ویلچرزدگی وسایل نقلیه عمومی مطبلی بنویسید و با می‌کنم یک دستگاه رسمی اعلام کند که آیا افراد ۷۰ سال به بالا نیاز به تعویض کارت ملی دارند یا خیر؟ برای دریافت کارت به یکی از مراکز مراجعه کردیم، گفتند اگر انگشت نداشتید و مدارک را به جای دیگر فرستادند. مراجعه کردیم و گفتند به محل قبلی برگردید. ما چه کنیم؟

واقعیتهای تصادفات را گوشزد کنید

لطفاً دربارهٔ حوادث وسایل نقلیه عمومی مطبلی بنویسید و با رانندگان و متخصصان ترافیک مصاحبه کنید و یک بار دیگر واقعیت‌ها را گوشزد کنید. علت آنکه رانندگانی با وجود خستگی و خواب‌لودگی، باز هم پشت فرمان می‌نشینند یا ناآگاهی‌است، یا اعتیاد یا فقر. چرا مسئولان با سفر شبانه ۳۰ تا ۴۰ دانش‌آموز موافقت می‌کنند؟ مگر نمی‌دانند طبق آمار رسمی رانندگی در شب ۱۰ برابر روز است.

حسن ولی‌پور از ملایر

چگونه پوشاک قاچاق‌ی شود؟

چهره‌های درباره قاچاق پوشاک از کشورهای چین و ترکیه به ایران خواندم و متأسف شدم. نمی‌دانم با وجود این همه مرزبان، مأمور و پلیس چگونه این اجناس به کشور وارد می‌شود؟ یادم می‌آید در دوران جوانی، لباس‌های دست دوم به راحتی فروخته می‌شد، اما الان انقدر با پوشاک قاچاق روبرو هستیم که حتی لباس‌های نو ایرانی فروش نمی‌رود.

یک بانو

این آمار منفعی برای مردم نداشته است

دولت اعلام کرده نوم از ۲۰ به ۱۰ درصد کاهش یافته است، اما شاهدیم معیشت مردم تغییری نکرده و ارائه این آمار نفعی به حال مردم نداشته است. اصناف هم که خود متولی نرخ‌گذاری هستند!

یک شهروند

چرا برخی متجاوزان زود آزاد می‌شوند؟

متجاوزان و خاقدکاران همان اولین بار که دچار خلاف می‌شوند باید مجازات شوند تا مجدد کار خود را تکرار نکنند. چرا برخی متجاوزان خیلی زود آزاد می‌شوند، اما متقاتان که معتر فکر می‌جایه هستند، سریع مجازات می‌شوند؟ آیا فساد را از بین برد، راه از ازدواج جوانان را تسهیل و افغان‌ها را از مملکت بیرون کرد تا جامعه بهتری داشته باشیم.

تماس با خط ارتباطی

چه کسی مقصر است؟

شبه مورخ ۹/۹/۹۶ در ترمینال غرب تهران از شرکت تی‌پی‌جی به مقصد اردبیل، پلیس ضروری خریداری کرد. قرار بود اتوبوس ۸ شب حرکت کند، اما مسافران تا ۱۰ شب معطل ماندند. هر کرای کردیم، نتیجه نگرفتیم. به ناچار ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه شب زیر لب حقارت سوار همان اتوبوس شدم. حال از وزیر راه سؤال می‌کنم مقصر ماجرا کیست؟

یک مسافر

قابل توجه وزارت بهداشت و درمان

فروشگاه تعاونی مصرف کارکنان وزارت بهداشت و درمان از نظر اقتصادی به مشکل برخوردده است و ما سهامداران نمی‌دانیم برای گرفتن سهم خود باید به کجا مراجعه کنیم. لطفاً وزارت بهداشت و درمان رسیدگی کند.

مدتی کارمند بازنشسته وزارت بهداشت

۶ ماه پیش تعدادی از بازنشستگان برای خرید سهم بیمه ملت ثبت‌نام کردند، اما هنوز هیچ خبری درباره شرایط و مقررات دریافت این سهام و زمان آن منتشر نشده است. لطفاً تکلیف متقاضیان را با اطلاع‌رسانی روشن کنید.

یک بازنشسته

بایدفکری اساسی‌شود

کمتر روزی است که در این مملکت اتفاقات ناگوار و حوادث و بزهکاری پیش نیاید. قوه قضائیه حق داشته باشد زندانی کردن بزهکاران کاری را از پیش نمی‌برد. اکثر آنان در بازگشت به جامعه دست به اعمال خلاف می‌زنند. باید فکری اساسی شود. مثلاً مکان‌هایی مثل معدن را برای کارکردن زندانیان در نظر بگیرند تا آنان شپیمان شوند و هیچ وقت دنبال بازو نزنوند. می‌توان از مردم هم یاری گرفت.

یک شهروند

دانش آموزان سال‌های دهم و نهم جدا شوند

مدرسه دخترانه سلمان فارسی واقع در منطقه ۳ شهرداری اسماال دانش‌آموزان سال‌های ۸، ۷ و ۱۱ را ثبت‌نام کرده است، حال آنکه چند مدرسه دخترانه دیگر در جوار آن مدرسه وجود دارد. امید آنکه وزیر آموزش و پرورش دستور دهد دانش‌آموزان سال‌های دهم و یازدهم جدا شوند و در سایر مدارس نام‌نویسی کنند.

یک مسافر

نام ایستگاه‌ها روی مانتیور نوشته شود

قبلاً که برای هر بلیت اتوبوس، یک بلیک برای پرداخت می‌کردیم، شمارگر من خود را کنار راننده بلند. ایستگاه‌های مختلف را اعلام می‌کرد تا مسافران مسیر خود را پیدا کنند. اکنون شمارگر اعلامی است که اتوبوس‌ها به‌خصوص اتوبوس‌های بی‌آرتی فقط مسافر را جابجا می‌کنند و هیچ کسی ایستگاه‌ها را اعلام نمی‌کند. تابلوهایی که نام ایستگاه‌ها را بیرون از اتوبوس مشخص می‌کنند، دور از دید مسافر هستند و ممکن است افراد مقصد را درست پیاده نکنند. باید مانتیوری کنار راننده نام ایستگاه‌ها را بنویسد و اعلام کند.

یک مسافر

بایدفکری اساسی‌شود

کمتر روزی است که در این مملکت اتفاقات ناگوار و حوادث و بزهکاری پیش نیاید. قوه قضائیه حق داشته باشد زندانی کردن بزهکاران کاری را از پیش نمی‌برد. اکثر آنان در بازگشت به جامعه دست به اعمال خلاف می‌زنند. باید فکری اساسی شود. مثلاً مکان‌هایی مثل معدن را برای کارکردن زندانیان در نظر بگیرند تا آنان شپیمان شوند و هیچ وقت دنبال بازو نزنوند. می‌توان از مردم هم یاری گرفت.

یک شهروند

دانش آموزان سال‌های دهم و نهم جدا شوند

مدرسه دخترانه سلمان فارسی واقع در منطقه ۳ شهرداری اسماال دانش‌آموزان سال‌های ۸، ۷ و ۱۱ را ثبت‌نام کرده است، حال آنکه چند مدرسه دخترانه دیگر در جوار آن مدرسه وجود دارد. امید آنکه وزیر آموزش و پرورش دستور دهد دانش‌آموزان سال‌های دهم و یازدهم جدا شوند و در سایر مدارس نام‌نویسی کنند.

یک مسافر

نام ایستگاه‌ها روی مانتیور نوشته شود

قبلاً که برای هر بلیت اتوبوس، یک بلیک برای پرداخت می‌کردیم، شمارگر من خود را کنار راننده بلند. ایستگاه‌های مختلف را اعلام می‌کرد تا مسافران مسیر خود را پیدا کنند. اکنون شمارگر اعلامی است که اتوبوس‌ها به‌خصوص اتوبوس‌های بی‌آرتی فقط مسافر را جابجا می‌کنند و هیچ کسی ایستگاه‌ها را اعلام نمی‌کند. تابلوهایی که نام ایستگاه‌ها را بیرون از اتوبوس مشخص می‌کنند، دور از دید مسافر هستند و ممکن است افراد مقصد را درست پیاده نکنند. باید مانتیوری کنار راننده نام ایستگاه‌ها را بنویسد و اعلام کند.

یک مسافر

بایدفکری اساسی‌شود

کمتر روزی است که در این مملکت اتفاقات ناگوار و حوادث و بزهکاری پیش نیاید. قوه قضائیه حق داشته باشد زندانی کردن بزهکاران کاری را از پیش نمی‌برد. اکثر آنان در بازگشت به جامعه دست به اعمال خلاف می‌زنند. باید فکری اساسی شود. مثلاً مکان‌هایی مثل معدن را برای کارکردن زندانیان در نظر بگیرند تا آنان شپیمان شوند و هیچ وقت دنبال بازو نزنوند. می‌توان از مردم هم یاری گرفت.

یک شهروند

دانش آموزان سال‌های دهم



ای رفتنت بهار ولی شوخ و شنگ تر...



نخستین بار که شعر «غلامرضا شکوهی» را شنیدم و نامش را، نخستین روزهای حضورم در مشهد (پاییز سال ۶۸) بود که دوستی شاعر، ابیاتی از یک غزلش را برایم خواند. آن غزل، ابیاتش بیش از این است ولی من این چهار بیت را از همان زمان، در حافظه دارم:

من پاره‌های قلبم و در اشک جاری‌ام
خونابه‌ای به وسعت یک زخم کاری‌ام
چون قلب دیرسال تراشیده بر درخت
تنهاترین نشانه‌ی یک یادگاری‌ام
چون سایه‌ی طویل درختم که در غروب
هر لحظه بیشتر ز تن خود فراری‌ام
بندی به پای دارم و باری گران به دوش

در حیرتم که شهره به بی‌بند و باری‌ام و این غزل، باب آشنایی ما شد و به خاطر سپردن نام شاعری که در عرصه شعر کلاسیک، صاحب ذوق و خلاقیت است. و به گمانم در زمانه‌ای که آدم شعر خودش را هم به یاد نمی‌سپرد، از بردن شعر دیگری، می‌تواند معیار نسبتاً معقولی برای درک قدرت و اهمیت یک شاعر باشد. باری، غلامرضا شکوهی، از نظر منی که دستی از دور بر آتش ادبیات دارم و از قضا دغدغه شعر کلاسیک؛ در ۳۰ سال گذشته، هرجا که خودش یا شعرش را دیده‌ام، نامش جدی و شعرش شنیدنی و خواندنی و آموختنی بوده‌است. شاعری صاحب سبک و دارای وسواس کافی در گزینش مضمون و کلمه و متعهد به ممارست روحی و ذوقی بسیار در آفرینش غزل‌های قوی و ترانه‌های متفاوت و موثر و معنی‌گرا. و این اراده عالی، تأثیرش از حوزه شعر آیینی آغاز می‌شود و در عرصه شعر عاشقانه به اوج می‌رسد:

از تیک تاک ساعت من بی‌درنگ تر
عریان بپوش، ای تنت از گل قشنگ تر
پیراهنی به قامت عریانی ات بپوش
تا گل کنی به سینه‌ام از تنگ، تنگ تر
آیینی را به خلوت خود آشنا مکن
داری دلی به سینه‌ات از سنگ، سنگ تر
شرمی همیشه بر لب سرخت نشسته‌است
هرگز ندیدم از تو گلی را دو رنگ تر
گل‌های فرش در قدمت رقص می‌کنند

ای رفتنت بهار ولی شوخ و شنگ تر
غلامرضا شکوهی را - به داوری من - می‌توان در کنار زنده‌یادان «محمد قهرمان» و «ذبیح‌الله صاحبکار»، سه ضلع مهم مثلث ذهن و زبان پیشروی خراسان در حوزه غزل نوکلاسیک دانست که از قضا هر سه نیز در جغرافیای نسبتاً مشترک تربت (از حیدریه تا جام) متولد شده‌اند. و از قضا، شباهت مضمونی و سبکی بسیاری میان این سه استاد متوفی هست؛ ابتدا، تمایل به سبک هندی و سپس پیوند زیبایی زبانی با فخامت خراسانی و در نهایت تغذیه ذوقی از معرفت فلسفی و عاشقانه‌ی سبک عراقی.

بقیه در صفحه ۲



در هوایت بی‌قرارم روز و شب
سر ز کویت برن دارم روز و شب
زان شبی که وعده کردی روز وصل
روز و شب را می‌شمارم روز و شب

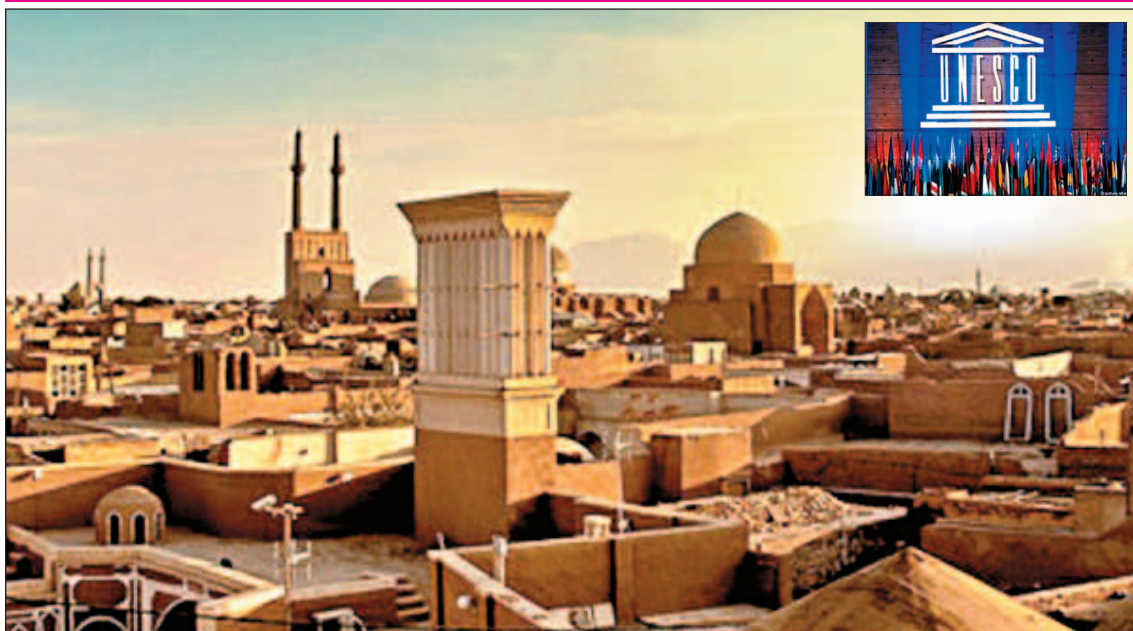
مولانا

در استقبال از ثبت تاریخی شهر یزد از سوی یونسکو



«حسین امینیان ندوشن - کارشناس بین‌المللی فرش در فرانسه»

یزد و فرصتی تاریخی برای توسعه گردشگری



شکل مستقیم و غیر مستقیم با کار ساختمان سازی و مسکن در ارتباط اند. در کنار آن، مشاغل دیگری چون حمل و نقل نیز رونق و رواج می‌یابد علاوه بر آن صنایع دستی هر شهر و کشوری نیز این فرصت را مغتنم می‌شمارند که بتوانند ظرفیت‌های تولیدی خود را بیشتر و بیشتر کنند که در نهایت همه این فعالیت‌ها به رونق بخشی اقتصاد می‌انجامد.

نگارنده به دلیل آن که خود در بوردوی فرانسه زندگی می‌کند و از سوی دیگر، جاذبه‌های گردشگری این شهر را می‌شناسم و حتی روزی را به یاد دارم که در نزدیک به ۱۰ سال قبل (۲۰۰۷)، همین رخداد فرخنده که برای شهر زادگاهم (یزد) رخ داد، برای بوردو هم به وقوع پیوست؛ علاقه‌مندم چند تجربه و مشاهده خود از نوع نگاه مدیران ارشد شهر بوردو به چنین انتخابی را معرفی کنم تا شاید هموطنانم و به خصوص مدیرانی که دستی در کار گردشگری دارند، بتوانند از این تجربه‌ها بهره کافی برده و در نهایت به ارتقای کار شهر یزد و شکوفا شدن اقتصاد این شهر مدد رسانند.

من دقیقاً به یاد دارم که ۱۰ سال پیش بود. شهرداری بوردو در اختیار آلن ژوپه بود که یونسکو اعلام کرد شهر بوردو به عنوان یکی از شهرهای دارای میراث فرهنگی معرفی شده است. در آن سال دقیقاً مکان‌هایی چون تئاتر بزرگ شهر در زمره جاذبه‌های دیدنی معرفی شدند.

بقیه در صفحه ۴

انتخاب شهر یزد از سوی یونسکو که ماه گذشته رخ داد، می‌تواند بایی باشد برای سرمایه‌گذاری جهت جلب و جذب توریست. قاعده‌های گرایش توریست‌ها و گردشگران به شهرها و کشورها به نوع نگاه سازمان‌های جهانی مرتبط است.

در واقع گردشگران اگر ببینند که سازمانی همانند یونسکو بر شهر یا منطقه‌ای مکانی انگشت تأکید نهاده است، قطعاً به آن سمت جلب می‌شوند تا دلیل چنین انتخاب‌هایی را دریابند و این خود فرصتی نیکو را برای تورگردانان و به خصوص سیاستگران عرصه گردشگری کشورها فراهم می‌کند تا بتوانند در قالب‌های گوناگون به معرفی جاذبه‌های گردشگری شهر دیار خود بپردازند.

امروزه دیگر سخن گفتن از نقش توریست و گردشگر در توسعه اقتصاد کشورها امری بدیهی است. چرا که گردش اقتصادی در این حوزه و عرصه، همانا از جمله سالم‌ترین و پاکیزه‌ترین نوع سرمایه‌گذاری به شمار می‌آید که همزمان و در کنار خود مشاغل دیگری را هم به تحرک و تکاپو وامی‌دارد.

برای نمونه، اگر در منطقه‌ای گردشگری توسعه پیدا کند، بلافاصله باید هتل‌های مجهز ساخته شود، ساخت هتل یعنی تحرک در بخش مسکن در همان منطقه و این یعنی تقاضا برای بیش از ۵۰۰ کالا و خدمات که به

نگاهی به فیلم "بیست و یک روز بعد"

شبیه قصه قصه‌ها



بهمنوچهر دین‌پرست

خود بروز می‌دهند. بر این اساس باید پذیرفت سونامی سرطان و درد و رنج‌های آن شوخی نیست. اگر هنرمندی به وضعیت سرطان و ناپسامانی‌های آن از زوایه دیگر نگاه می‌کند قطعاً می‌تواند مورد توجه جدی قرار بگیرد. طی سالهای اخیر فیلمها و سریالهای تلویزیونی با محوریت سرطان ساخته شده اما فیلم بیست و یک روز بعد نمادی از تقابل زندگی و درد است.

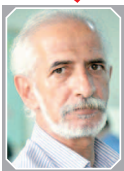
مسئولیت مفهوم بسیار پیچیده‌ای است. این پیچیدگی نه تنها برای ما که حتی در نزد بسیاری از فیلسوفان اخلاق، سیاست و حقوق هم پیچیده است. مسئولیت به طور قطع در قلمرو جامعه، حقوق، اخلاق و دین و مذهب و حتی بعضی اعتقاد دارند که مسئولیت در عرف و عادات هم به کار می‌رود. اما مسئولیت هنرمندان در برابر ناپسامانی‌های جامعه گاهی بیشتر نمود پیدا می‌کند و آنها حساسیت بیشتری از



صفحه ۵

نگاهی به کتاب «شاهنشاه»، نوشته ریشارد کاپوشچینسکی

وقتی که کاخ شاه ویران شد...



محمدرضا جیدرزاده

انتشار آن گرفته شود امپراتوری لهستان سرنگون شد و دولت نظامی حکومت را به دست گرفت. در این زمان کتاب وی، الهام بخش تولد جنبش «اتحادیه آزاد کارگران لهستان (همبستگی)» در «ورشو» شد و خود نویسنده هم به این اتحادیه پیوست تا مبارزه‌ای دامنه‌دار کشور را فرا بگیرد و لهستان آزاد شود.

ریشارد این وقایع را در کتابی با عنوان «انقلاب برای حیثیت و شرف» شرح داده است. در میان آثار این نویسنده، کتاب «شاهنشاه» دیده می‌شود. او در سال ۵۷ به تهران سفر کرد تا از نزدیک شاهد یک انقلاب دیگر در جهان باشد. این کتاب در آمریکا چاپ و منتشر شد اما پانزده صفحه از آن که مربوط به دخالت سیا در کودتای بیست و هشت مرداد و سرنگونی دولت مردمی مصدق بود حذف گردید. از دیگر کتاب‌های این نویسنده می‌توان به جنگ فوتبال (۱۹۷۸)، امپراتوری: قدرت برتر (۱۹۹۳)، سایه خورشید (۲۰۰۰)، سفر با هرودوت (۲۰۰۷)، به همراه شش جلد کتاب شعر و جستار، اشاره کرد.

کاپوشچینسکی با بسیاری از انقلابیون جهان رفت و آمد داشت و در حالی که مدتی هم با گابریل گارسیا مارکز زندگی می‌کرد، بیمار شد و به لهستان بازگشت و در سال ۲۰۰۷ به دلیل بیماری سرطان درگذشت.

گفتنی آن‌که حسن کامشاد مترجم خوب کشورمان، برای اجازه ترجمه کتاب «امپراتور» نامه‌ای برای او نوشت که کاپوشچینسکی چنین پاسخ داد: از علاقه شما به ترجمه کتابم به زبان فارسی بسیار سپاسگزارم. شما می‌توانید از همه تعهدات مالی در قبال انتشار کتاب فارغ باشید. سپاسگزارم چنانچه نسخه‌ای از کتاب را که به زبان شما منتشر می‌شود - به زبانی که زیبایی آن را تنها می‌توانم: با شنیدش ستایش کنم - برای من بفرستید...

در کتاب «شاهنشاه» می‌خوانیم:

تهران - در اتفاقی در هتل نشستیم. روی میزم تعداد زیادی عکس و یادداشت دارم درباره بزرگترین انقلاب مردمی جهان. باید آنها را مرتب کنم و کتاب دیگری بنویسم. درباره ایران ابتدا عکس‌ها را نگاه می‌کنم:

عکس یک - این قدیمی‌ترین تصویری است که توانستم پیدا کنم.

سربازی با زنجیری فلزی در دست راست و مردی در انتهای زنجیر. هر دو با اشتیاق زل زده‌اند. به عدسی دوربین. سرباز یک روستایی ساده است با لباس فرم گل و گشادی که شبیه آکاردئون است با کلاه گنده‌ای بر سرش.

اما مرد زنجیر شده لاغر است با سری باندپیچی شده. او قاتل ناصرالدین شاه است و همراه سرباز به مکان تیرباران می‌رود. سرباز یک روستایی به نام سوادکوهی است...

عکس دو - افسری را در عکس می‌بینیم، عضو بریگاد قزاق ایران که کنار مسلسل ایستاده و طرز کار آن را به همکارانش نشان می‌دهد. نام این افسر رضاخان است. فرزند همان سرباز در عکس شماره یک.



خودکامه بود: اول حمله و سرکوب و بعد فکرکردن به ماجرا.

شاه به این خاطر نابود شد که خودش را زیادی جدی می‌گرفت و بیش از حد، مهم می‌دانست. از صمیم قلب معتقد بود که مردم او را می‌پرستند. طغیان مردم برایش رویدادی باورنکردنی بود و به این ترتیب کارش به تصمیمات خشن، جنون آمیز و احمقانه کشید...

نخستین ترجمه اثری درباره ایران از «نویسنده - گزارشگری» که لقب «روزنامه‌نگار قرن بیستم» را دریافت کرد و کاندیدای نوبل ادبیات شد، با عنوان «شاهنشاه» نوشته «ریشارد کاپوشچینسکی» توسط نشر ماهی به بازار کتاب آمده است.

او در بلاروس متولد اما از کودکی در لهستان بزرگ شد و همان جا هم به تحصیل پرداخت.

در مطبوعات ورشو به عنوان خبرنگار شروع به کار کرد و در حالی که بیست و سه ساله بود، گزارشی درباره فساد در کارخانه فولادسازی نمونه دولتی نوشت که چاپ آن باعث توفان سیاسی در لهستان شد و تحت تعقیب حکومت قرار گرفت.

مدیران آژانس خبری لهستان که ریشارد در آن کار می‌کرد مدتی او را مخفی کردند تا این که برای حفاظت از جانش، او را به عنوان گزارشگر به هند، پاکستان و افغانستان فرستادند. سفری که حدود چهل سال ادامه داشت و دامنه آن به سایر کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین از جمله ایران، گسترش یافت.

او در این چهل سال به بیش از پنجاه کشور سفر کرد تا گزارش بیست و هفت انقلاب و کودتا در کشورهای مختلف را تهیه کند که در این راه بیش از چهل بار دستگیر و زندانی و حتی چهاربار توسط قبایل افریقایی به اعدام محکوم شد اما با خوش‌شانسی نجات یافت.

او در کتابی پیش‌بینی کرد که کمونیسم در حال فروپاشی است، وقتی این کتاب در لهستان منتشر شد، خشم حکومت را برانگیخت اما قبل از آنکه جلوی

انقلاب نقطه پایانی بر حکمرانی شاه گذاشت. کاخ او را ویران کرد و سلطنت را به خاک سپرد. همه چیز با یک اشتباه به ظاهر کوچک در دربار اعلیحضرت همایونی شروع شد. سلطنت با این گام اشتباه، حکم مرگ خودش را صادر کرد.

انقلاب را باید از شورش، کودتا و تصرف کاخ جدا کرد. کودتا یا تصرف کاخ، ممکن است برنامه‌ریزی شده باشد اما انقلاب هرگز. فورانش و لحظه این فوران بر همه نامعلوم است. حتی بر آنها که در راهش می‌جنگند. فوران خودجوشی که یکباره آغاز می‌شود.

هر انقلابی یک داستان پرماجر است. انقلاب ایران هم. مردم زیر فشار بی‌عدالتی‌های طبقه حاکم هستند. حساب جزء به جزء همه این بی‌عدالتی‌ها را پیش خود نگه می‌دارند. حسابی که بناسد در یک لحظه خاص، جمع بسته شود. در زمانی که شاه از حد خود تخطی کند.

شاه چطور از حد خود تخطی کرد و حکم به نابودی خودش داد؟ با انتشار مقاله‌ای در روزنامه. آن زمان آیت‌الله خمینی، آزاردیده از ستم و تبعید از مملکت، بت و ضمیمه آگاه مردم بود. ویران کردن اسطوره آیت‌الله خمینی یعنی ویران کردن مقدسات، یعنی به باد دادن امیدهای مردمی ستمدیده و تحقیر شده. مقصود آن مقاله هم دقیقاً همین بود.

روزنامه که به قم رسید، مردم را بر آشفته. همه توی خیابان‌ها و میدان‌ها جمع شدند. دسته‌های مردم، بزرگ و بزرگتر شد. جمعیت عظیمی در میدان اصلی شهر گردهم آمدند. حالا مهمترین لحظه فرا می‌رسد. لحظه‌ای که سرنوشت شاه و انقلاب را رقم خواهد زد.

در این لحظه، پلیسی به سمت مردی در صف اول جمعیت می‌رود. فریاد می‌زند و دستور می‌دهد: به خانه‌ات برگرد... اما مرد محکم و استوار می‌ایستد. بقیه مردم هم. سر آخر پلیس دست برمی‌دارد. مرد ترس را کنار گذاشته: این دقیقاً آغاز انقلاب است.

پلیس برمی‌گردد سرجایش و به فرمانده گزارش می‌دهد. فرمانده هم دستور آتش می‌دهد. تعدادی کشته و زخمی می‌شوند. معلوم نیست فرمانده عکس‌هایی را که بعد از کشتار از میدان گرفته به شاه نشان داده یا نه.

از فردای آن روز، مراسم یادبود کشته‌ها برگزار می‌شود. این ایام چهل روز طول می‌کشد. ملتی که استبداد، لگدکوبش کرده، همواره در پی پناه است. پی جایی که آن جا سنگر بگیرد. آن پناه می‌شود چهلم کشته شدگان. در تبریز اوضاع آن چنان وخیم می‌شود که صدای «مرگ بر شاه» بلند می‌شود. ارتش از راه می‌رسد و سیل خون در شهر به راه می‌افتد.

چهل روز دیگر می‌گذرد و جمعیت سوگوار در شهرها گردهم می‌آیند. در اصفهان مردم به رگبار گلوله بسته می‌شوند. دوباره چهلم می‌شود و این بار در مشهد اتفاق تکرار می‌شود تا اینکه نوبت به تهران می‌رسد و حالا تمام مملکت صحنه تظاهرات علیه شاه می‌شود...

به این ترتیب انقلاب ایران در چرخه طغیان‌هایی شکوفا می‌شود که با فواصل چهل روزه از پی هم می‌آیند. واکنش شاه نمونه بارز واکنش حاکمان



ریشارد کاپوشچینسکی

بقیه از صفحه اول

اینها، خطوط اصلی

حرکت ادبی این سه شاعر

است و البته، به نظر من،

غلامرضا شکوهی، به دلیل حشر و نشر بیشترش با نسل جوان و میل قلبی‌اش به رهیافت‌های نوین، از منظر ذهن و زبان، مدرن‌تر و نوگراتر است. ...زیر ابر گیسوانت ای طلایی‌تر ز نور

طیف اندام تراز خورشید نورانی تر است می‌چکد آن سوی مرز آرزوها نور گرم

قلب‌ها در آسمان ما زمستانی تر است پیشت‌ای استاد ذوق آموز چشم شیشه‌ای

تفسیر دکتر دینانی از «کلشن راز»



دکتر دینار

گفتگو از: کریم فیضی ۲۰۲

دریای معانی

* بیت بعدی:

هزاران موج خیزد هر دم از وی
نگردد قطره‌ای هرگز کم از وی

دریای وجود انسان، مملو از امواج است. اقیانوس آرام چقدر موج دارد؟ وجود هر انسانی به همین میزان موج دارد. این موج‌ها از یک مرکز هدایت می‌شود. از درون انسان، هر دم هزاران موج خارج می‌شود. با این حال، با شکستن موج‌های بزرگ در ساحل دریا، چیزی از دریا کم نمی‌شود. شکل موج‌ها عوض می‌شود ولی چیزی از آن کاسته نمی‌شود. هیچ دو موجی یکسان نیست. تحقیقات دانشمندان نشان می‌دهد که از ازل تا ابد، دو دانه از دانه‌های برف یکسان نیستند. این امر تعجب برانگیز است ولی واقعیت دارد.

* درست مثل اثر انگشت میلیاردها انسان که اختصاصی و یونیک است و دو نفر را نمی‌توان یافت که صاحب دو اثر انگشت یکسان باشند. به تازگی می‌گویند: قرینه چشم انسانها هم اختصاصی و مخصوص خودشان است.

بیت بعدی:

وجود علم از آن دریای ژرف است

غلاف درّ او از صوت و حرف است
علم از درون دریای هستی شماس. این نظریه، یادآور سخنان افلاطون است. افلاطون معتقد است که علم در ارباب انواع و صور عقلیه بوده، ولی فراموش شده است. شبستری در سخنی شبیه این می‌گوید که: علم در اعماق دریای وجود انسان مستور و محفوظ است. غلاف این درّ که درّ دریای علم و آگاهی است، در صدف سخن‌هاست که در زبان ظاهر می‌شود و هرکسی این سخن‌ها را می‌فهمد.

* جالب است که در بیت بعدی، شبستری پیش از ورود به تمثیل، فلسفه‌ای برای آن می‌تراشد و از ضرورت سخن به میان می‌آورد: معانی چون اینجا تنزل

ضرورت باشند او را از تمثیل البته این حرف مستقلاً هم معنی دارد. معانی در جغرافیای جهان نیست بلکه در باطن است؛ باطن عالی. معانی وقتی تنزل می‌کند، قالب پیدا می‌کند و شکل می‌یابد به همین جهت، سخن تنزل معنی است. معناها بیکرانند و با آمدن به این عالم، قالب می‌یابد و بالضروره تمثیل و تجسد پیدا می‌کند و جسم می‌شود.

قرآن دربارهٔ مریم (ع) می‌گوید: فتمثل لها بشراً سوياً. معنی وقتی در قالب سخن بیاید، تمثیل پیدا می‌کند. در واقع، لفظ پیکر معنی است. شیخ اشراق معتقد است که جسم انسان نیز تجسد و تمثیل است و ماده نیست. خود ماده هم نوعی از تجسد دارد. به همین جهت، ما مادی هستیم نه ماده.

* اجازه بدهید از این بحث عبور کنیم و برسیم به تمثیل که تا حدودی آشکار است و لازم است آیات آن تک به تک تفسیر شود:

شنیدم من که اندر ماه نیسان
صدف بالا رود از بحر عمان

ز شیب قعر بحر آید بر فراز
به روی بحر بنشیند دهن باز

بخاری مرتفع گردد ز دریا
فرود آید به امر حق تعالی

چکد اندر دهانش قطره‌ای چند
شود بسته دهان او به یک بند

رود تا قعر دریا با دل پر
شود آن قطرهٔ باران یکی دُر

به قعر اندر رود غواص دریا
وز او آرد برون لؤلؤی لالا

ادامه دارد

ای رفتنت بهار ولی شوخ و سنگ‌تر...

کودکنویای چشم‌م‌دبستانی‌تراست...

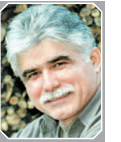
غلامرضا شکوهی، به گواه اغلب منتقدین ادبیات کلاسیک و اهل قلم و غزل خراسان، شاعری آفرینشگر است و به‌ویژه در حوزه شعر آیینی، یک انقلابی به‌شمار می‌رود و قریحه‌ای بالا و مثال زدنی دارد. کافی است کتاب‌هایش را تورتق کنیم و گاهی نگاهی به غزلی از او بیندازیم تا درستی این داوری را دریابیم.

شاید که دیگران، اخیراً کتاب دیگری هم از او دیده‌باشند، اما تا آنجا که من به‌خاطر دارم، مهمترین آثار منتشرشده وی عبارتند از: «صد

پرده آواز خاموش»، «شُرمه‌ای در غزل»، «یک ساغر نگاه» و «آهی بر باغ آینه».

غلامرضا شکوهی خراسانی که در یازدهم مرداد ۱۳۹۶ در پی سفر ادبی برنامه‌ریزی شده‌اش به تهران، به‌ناگاه به سفر ابدی آسمان رفت، متولد سال ۱۳۲۸ در تربت جام بود.

در فضای شعر کلاسیک و در سواد خراسان که سخن‌گفتن و قلم‌زدن و غزل‌سرودن در آن کاری ساده نیست؛ داشتن غلامرضا شکوهی، غنیمتی بود و لابد به‌راحتی نمی‌توان جایگزینی در خور برایش یافت. یادش زنده، روانش شاد و نامش نامیرا باد.



اکبر اکسیر

معرفی مجموعه طنز فابل های توفیق / دکتر عباس توفیق / انتشارات مروارید/ ۹۶

به در می گویم، دیوار بشنود



دسته دوم قصه ها، مثل ها، حکایت ها و لطیفه هایی است که ریشه در فولکلور ایران دارد و دکتر توفیق آن را به سبک قلم توفیقی به صورت فابل نوشته است.

دسته سوم فابل هایی که ریشه در فولکلور جهان دارد.

و دسته چهارم، فابل های معرف ایران و جهان است که آقای توفیق انتهای آنها را به نحو دیگری تغییر داده یا نتیجه اخلاقی دیگری از آن گرفته یا به آنها نتیجه اخلاقی افزوده است.

فابل در بین اقوام، در قصه های عامیانه رایج است. معروف ترین فابل های فارسی در بین کودکان و نوجوانان امروزی، قصه شنگول و منگول و روباه و کلاغ و پتیر است. به نمونه ای از این مجموعه توجه فرمائید:

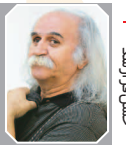
«فابل یا قصه حیوانات، از کهن ترین آثار ادبی انسان هاست. آنچه فابل به آن می پردازد، ظاهراً رفتار حیوانات و باطناً رفتار آدمیان است. کار فابل، حکایت «به در می گویم، دیوار تو گوش کن» است. فابل به ظاهر درباره حیوانات می گوید، ولی در باطن مقصودش حیوانات دویاست.

هنگامی که ما قصه جانوران دیگر را می خوانیم، در واقع داستان خودمان را می خوانیم و در ذهن تشویق می شویم فکر کنیم که ما دیگر چه جانورانی هستیم و با چنین جانوران اطرافمان چگونه رفتار کنیم؟ فابل احمق ها را درست می اندازد، بدکاران را لو می دهد و ستمکاران را می کوبد.

شناخته ترین این گونه قصه ها در ایران به نام فابل، فابل های لافوتنن است و معروف ترین آن، قصه روباه و کلاغ و پتیر. یکی از فابل های بسیار مشهور قرن اخیر، فابل مزرعه حیوانات، شاهکار جرج اورول است. فابل های ایزوپ، کللیله و دمنه، مرزبان نامه و ... نمونه هایی از معروف ترین فابل هاست.» (از مقدمه کتاب).

انتشارات مروارید» اخیراً مجموعه ای از فابل های دکترعباس توفیق را چاپ و منتشر نموده که از فابل های شیرین ادبیات طنز معاصر ماست.

فابل های توفیق که اولین بار در مجله فکاهی توفیق به چاپ رسیده، چهار دسته اند: دسته اول فابل های اورژینال که خالقش خود نویسنده است.



مهدی حسینی

«یکی یه پول خروس» و خروس های روزگار!

تماشاچی ها هم به جویدن آدامس خروس مشغول می شدند.

البته بد نیست به همین بهانه، گذری هم به آن روزگار بیندازیم و کمی هم به ماجرای آدامس خروس نشان بپردازم. آدامس «خروس» نشان محصولی بود که پرسرو صدا آمد، اما بی سروصدا رفت. البته «خروس» اولین برند آدامس تولیدی در ایران نبود؛ قبل از آدامس «خروس» نشان، آدامس «طوطی» نشان در بازار ایران بود و اتفاقاً موقعیت چندان بدی هم نداشت؛ اما کم کم با از راه رسیدن آدامس «خروس» «طوطی» و «طاووس» مجبور شدند بازار را رها کنند. ابتدا به از دست دادن بازار تن دادند و بعد کم کم بار و بنه را جمع کرده و از بازار خداحافظی کردند. برند «طوطی» نشان و «طاووس» نشان هم چندان در ذهن نماند.

همین قدربرایتان بگویم که موفق ترین برند آدامس داخلی در ایران، همین آدامس خروس است که متأسفانه تاریخچه چندان روشنی ندارد و چاپ یک آگهی قدیمی از آدامس خروس نشان در روزنامه اطلاعات آن زمان با مضمون «من خروس میخوام»، نشانگر این است که تولید آدامس خروس در سال ۱۳۳۵ شروع شد.

می گویند کارخانه سقز سازی ایران که تولید کننده آدامس خروس بود، متعلق به سرمایه داری یهودی بود و اتفاقاً صاحب کارخانه آدامس طوطی، یعنی «موسی کهن زاده» نیز یک یهودی بوده است، ولی آدامس خروس بعد از انقلاب ۱۳۵۷ ایران مصادره شد و به بنیاد مستضعفان و جانبازان واگذار شد و همچنان به تولید خود ادامه می داد تا این که در سال ۱۳۷۱

کارخانه خروس در قالب برنامه های خصوصی سازی دولت ایران واگذار شد. برخی هم دلیل موفقیت آدامس خروس را در سر و صدای زیادی که با تبلیغات به راه انداخته بود می دانند. به هر حال تبلیغات پر و پیمان از یک سو و توزیع مناسب و ترانه «یکی یه پول خروس» از سوی دیگر، سبب شده بود تا آدامس «خروس» نشان در همان بسته های چهار تایی و کاغذ سبز رنگ، به خوبی جای خود را در بازار باز کند و در آن سال ها کم کم پول خرد، جای خود را به آدامس داد و مغازه دارها وقتی پول خرد نداشتند، به جای باقیمانده پول، آدامس «خروس» نشان را مقابل مشتری می گذاشتند. هنوز خیلی ها به خاطر دارند که برخی تاکسی داران نیز برای رهایی از عذاب نداشتن پول خرد، همین کار را می کردند؛ یعنی با یک بسته آدامس خروس، نداشتن پول خرد را ماستمالی می کردند!



دکتر محضر مشفق

«پرویز بیگی حبیب آبادی

بخش ۱۲۴



«بفرمایید برای ماندگاری سنت همبستگی و پایداری، چه برنامه هایی باید تنظیم گردد و چه تلاش هایی باید صورت گیرد؟

– ببینید، ما درباره ایران دوستی و تهییج نسل امروز و فردا، در متون نثر و نظم، منابع بسیاری در دست داریم که می تواند راه گشا باشد. مثل دووین شعر شاعران بزرگ و حماسه جاودانی شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی و تاریخ جنگ های ایران در طول تاریخ و چرا راه دور برویم. حماسه هشت سال دفاع مقدس، اگر چه گوشه هایی از این جنگ نابرابر در شعر معاصر و داستان و خاطره مطرح شده است، اما هنوز خیلی از مسائل جنگ بازگو نشده است.

هنرمندان و نویسندگان و سینماگران ما می توانند از این منابع استفاده کنند و به صورت های گوناگون، داستان های پهلوانی و حماسه های مردانی را که در راه استقلال ایران از جان خویش مایه گذاشته اند، در رسانه های ملی به نمایش گذارند و این سنت پایداری و همبستگی را زنده نگاه دارند.

من باب نمونه عرض کنم که همین زورخانه ها که امروز کمتر بدان ها توجه می شود، یکی از پایگاه های بزرگ همین سنت پایدار بوده است. من خودم تا چند سال پیش که از رادیو، هر صبح برنامه ورزش باستانی را گوش می کردم و از زبان مرشد، داستان های پهلوانی را که از شاهنامه انتخاب می شد و به اجرا در می آمد می شنیدم، جانی تازه می گرفتم و سر از پا نشناخته با شور و شوق زیاد، دنبال کار روزانه می رفتم.

نمی دانم چرا صدواوسیمما این برنامه پرنشونده را تعطیل کرد که امیدوارم حالا که ما به فکر همبستگی و ایران دوستی افتاده ایم این برنامه خوب، بار دیگر به اجرا در آید.

«استاد، به نظر شما شعر موفق چه نوع شعری است؟

– به نظر من، شعر موفق شعری است که مشخص باشد به زمان خودش تعلق دارد، یعنی شناسنامه زمان ضمیمه اش باشد. شعری که بنده بسازم و شما فکر کنید که متعلق به قرن چهارم یا ششم هجری است، شعر نیست.

«وضعیت شعر در چهارساله دولت دهم و دوران تصدی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط دکتر سیدمحمد حسینی را چگونه ارزیابی می فرمایید.

– من در حدود سی و اند سالی که از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری قاید اعظم امام خمینی (ره) می گذرد، شاهد و ناظر بوده ام که مسئولان محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نهادهای انقلابی، مراکز فرهنگی و غیره در راه اعتلای فرهنگ انقلاب و رشته های هنری به خصوص شعر انقلاب با توجه به امکاناتی که در اختیار داشته اند، گام های مؤثری برداشته اند.

از جمله این نهادها می توان به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اشاره کرد که بیشترین سهم فعالیت را در رشته هنر و شعر به خود اختصاص داده است از جمله:

در چهار سال اخیر که زمام امور این وزارتخانه با تمام گستردگی بدست باکفایت سید جلیل القدر جناب دکتر حسینی و همکاران صمیم او سپرده شد، بدون تردید باید اذعان کرد که صلاحیت و قاطعیت این محب صادق و عاشق انقلاب با عنایت به دانش و بیش و تقوی و اطلاعات وسیع در حوزه هنر و ادبیات، دستگاه عظیم وزارتخانه را با تلاش و کوشش شبانه روزی بسوی ترقی و تعالی وصف ناشدنی سوق داد و این نکته ای نیست که از نظر بزرگان دانش و دین پنهان مانده باشد و زبائزد خاص و عام نباشد.

ادامه دارد

در استقبال از ثبت تاریخی شهر یزد از سوی یونسکو



یزد و فرصتی تاریخی برای توسعه گردشگری

حسین امینیان ندوشن - کارشناس بین المللی فرش در فرانسه

بقیه از صفحه اول

و احساسی دارم.

بنا بر این خوش دارم که هموطنان و همشهریانم سهمی جدی در این اتفاق داشته باشند. یزد ظرفیت‌هایی دارد که دیگر مکان‌ها ندارند. همچنان که مشاغلی در آن فعال است که توریست‌ها از این گونه مشاغل خوششان می‌آید و علاقه‌مندند مراحل ساخت آن را ببینند. مثل فرش‌بافی یا گلیم بافی و زیلو بافی.

من خود به یاد دارم در سال‌های اولی که به کار فرش در فرانسه وارد شده بودم، یکی از جاذبه‌هایی که مردم و شهروندان دیگر علاقه‌مند بودند بدانند، همین موضوع چگونگی ساخت و بافت فرش بود.

به همین دلیل به هر شهری که می‌رفتم، به همکارانم و نیز فرش‌بافانی که با من کار می‌کردند، می‌گفتم که دار قالی را هم در همان شهر و همزمان با برپایی نمایشگاه و فروشگاه فرش برپا کنند و نفس این کار، تماشاگران بسیاری را به نمایشگاه می‌کشاند. از این طریق، کلی برای فرش و فروش آن تبلیغ می‌کردیم.

در کنار آن باید بر بافت تاریخی و ساختمان‌های گلی شهر یزد هم تأکید کرد. این ساختمان‌های گلی که روزگاری بسیاری را گمان بر آن بود که اسباب شرمندگی صاحبان آنهاست و باید سریع تر فروخته و به ساختمان‌های بدقواره و زشت آجری و سنگی تبدیل شود، اکنون اما اسباب تفاخر یزد شده است. چرا که کارشناسان یونسکو، وجود همین ساختمان‌های کاهگلی را مزیت یزد بر دیگر شهرها دانستند و آن را در زمره میراث فرهنگی و معماری جهان قرار دادند. از همین زاویه است که باید در حفظ و نگهداری ساختمان‌های تاریخی کاهگلی، بیشتر کوشش و تلاش به خرج دهیم.

نقش شهرداری و سازمان میراث فرهنگی در این زمینه، بسیار تعیین کننده است. شهرداری به این دلیل که نقشه جامع شهری و اصلاحات آن را در یک پروسه ۵۰ ساله، باید به گونه‌ای سامان دهد که به فضای تاریخی و میراثی شهر آسیب نباشد. و میراث فرهنگی نیز از این جهت نقش مهم است که کارشناسان آن بتوانند هر گونه تحولی در ساخت و ساز شهر را رصد کنند تا به دلیل برخی سوءاستفاده‌ها امکان از بین رفتن میراث فرهنگی به وجود نیاید.

ما در شهرهای بزرگ این مشکل را داریم که برخی از مکان‌ها به دلیل ارزش بالای زمین، برای صاحب ملک صرفه اقتصادی برای نگهداری



خانه کاهگلی وجود ندارد و به همین دلیل از همین امروز باید شهرداری و فرمانداری و نیز استانداری تلاش کنند تا این مشکل را به نوعی در میان خود حل کنند و به یک وحدت رویه در دادن مجوز ساخت برسند.

به نظر می‌رسد با یک کار فشرده سازماندهی شده بتوان در زمانی کوتاه، فضایی را فراهم کرد تا همگان از این امکان بهره ببرند و شهر یزد، همان قدر توفیق یابد که روزی نام جاذبه‌های گردشگری‌اش بر سر زبان‌های گردشگران

از هر قوم و طایفه ای در چهار گوشه جهان بیفتند. من امیدوارم و مطمئنم که از نظر اقتصادی برای این شهر مفید خواهد بود و شاید جوانان آنجا قادر باشند انجمنی تشکیل دهند که بتوانند نوعی نگاه به جلو داشته باشند، و جذب توریست از آن جمله باشد. به یاد داشته باشیم که توریست‌ها و گردشگرها عاشق سادگی و صمیمیت اند و می‌دانند که هر چیز ساده و صمیمی در بطن خود زیبایی هم دارد.

در کنار آن باید از ابعاد فرهنگی کار نیز یاد کرد که همانا ایجاد فرصتی برای گفت و گو میان افرادی از فرهنگ‌های مختلف است. این گونه می‌توان داشته‌های فرهنگی همدیگر را هم‌رسانی کرد و به پای درخت این ارتباط آب لطف و محبت افشاند.

نگارنده ضمن تبریک چنین اتفاق فرخنده‌ای به همشهریانم، بر این باورم که مردم یزد با چنین انتخابی فرصتی تاریخی به دست آورند که قطعاً اگر درست و مناسب از آن استفاده کنند، می‌تواند به فصل درخوری از جهش تازه‌ای در تمامی حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاسی تبدیل شود.

از آن مهمتر، بخشی از شهر بود که از آن به عنوان شهر قدیمی بودند یاد می‌شود. این بخش از شهر، یکی از ارزشمندترین مناطق معماری شهری مربوط به قرن هجدهم میلادی در کل اروپا است. بناهای تاریخی باشکوه و شگفت‌انگیز شهر، یادآور دوران تاریخ و مهم قرون گذشته است که در آثار نویسندگان و بزرگان فرهنگ و هنر فرانسه، از جمله ویکتور هوگو، از آن یاد شده است.

حفظ و نگهداری مناسب شهرداری بودند از این منطقه و مرمت مداوم و مستمر از آنها موجب شد تا این منطقه به عنوان میراث جهانی یونسکو انتخاب شود. دو جاذبه گردشگری مهم این منطقه، یکی تئاتر بزرگ «Grand Théâtre» است که در سال ۱۷۸۰ ساخته شده و سخنرانی معروف ویکتور هوگو در همین مکان مهم انجام شد؛ و دیگری کلیسای جامع سنت آندره است.



این کلیسا بسیار دیدنی و باشکوه است. اگر چه مرمت‌های اخیر که برای حفظ و نگهداری آن صورت گرفته است، کمی ظاهر قدیمی و گوتیک آن را تغییر داده، اما این مرمت‌ها لازم بود تا بتواند پای گردشگران را به این گونه مکان‌ها باز کند و به همین دلیل سبب شده تا تعداد گردشگران برای دیدن این گونه اماکن افزایش پیدا یابد.

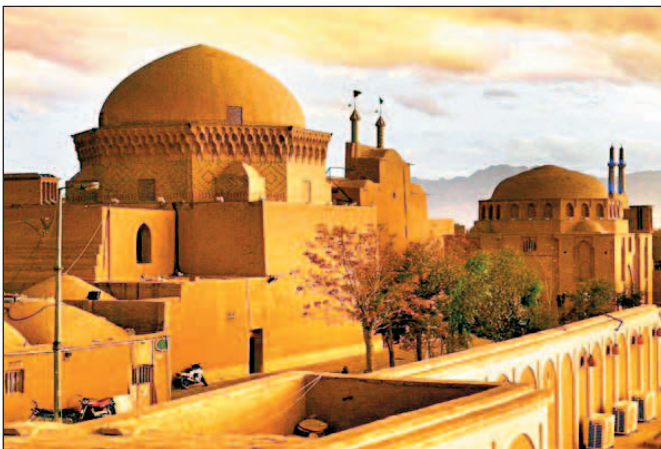
یکی از دلایل توفیق طرح تبدیل بودند به یکی از مهمترین شهرهای گردشگری در اروپا به همین نگاه منظومه‌ای و همه‌جانبه شهردار به مقوله گردشگری مرتبط است.

به همین دلیل است که اگر بخواهیم در یزد و معرفی آن به توفیقی دست پیدا کنیم، باید از رقابت‌های انرژی بر و نیز حسادت‌هایی که طبیعی برخی از این گونه فعالیت‌هاست، و متأسفانه همانند خوره ای به جان اقتصاد ایران افتاده است، دست برداریم.

یزد شهری است که من سالیان سال — کمتر از ۲۵ سال — در آن زندگی کرده‌ام و جاذبه‌های گردشگری آن را به خوبی می‌شناسم و می‌دانم چه ظرفیت‌های شگفتی دارد. در کوچه پسکوچه‌های آن قدم زده ام و نفس کشیده ام. به خصوص در سال‌هایی که هنوز آوار تجدد و صنعتی شدن، شهرهای ایران را از سر نگذرانده بود.

اتفاقاً سال‌های دهه چهل و پنجاه که در تردد بین یزد و ندوشن بودم، از جمله نکاتی که همه‌گاه جلب توجهم می‌کرد، همین خانه‌های کاهگلی بود. خانه‌هایی که در آنها می‌لویدیم و اکنون که از آنها فاصله گرفته‌ایم و آغشته زندگی شهری شده‌ایم، در می‌بایم آن صفای نهان شده در این خانه‌ها را.

خانه‌هایی که صمیمیت و محبت و دوستی را در تک تک اتاق‌های آن می‌توانستی حس کنی. همچنان که از سوی دیگر در شهر بودند هم زندگی کردم، برای بیش از ۳۵ سال و نسبت به هر دوی این شهرها وابستگی عاطفی



نقد آثار منظوم و منثور

عباس یمینی شریف



یار مهربان

هومن ظریف

۵۲

از سوی دیگر، مصراع «در خانه داری ماهرم» بعد از دو دهه، بار دیگر به شعر نخست رجعت کرده است! که تجزیه و تحلیل مردم شناسانه ای می‌خواهد که در حوصله این مبحث نیست. از لحاظ ادبی، شعر به روایت آخر، تشبیه آشکار و متواری دارد که هنوز هم بر زبان مردم است: «دختر قند و عسل» که در اینجا، شاعر دختر به شکر تشبیه کرده است. اما «از پا تا سر» پاکیزه بودن، کنایه متناسبی است که سه بیت را روان و شیرین کرده است. شعر بلافاصله بعد از «من دخترم» به صورت معناداری در کتاب «نیم قرن در باغ شعر کودکان»، شعر «من پسر» است:

من که از گل بهترم / من پسر من پسر

یار کار پدرم / در کمک با مادرم

مهربان با خواهرم / بچه ای با هنرم

اما باز هم این شعر، آن چیزی نیست که در سال ۱۳۲۵ برای نخستین بار در کتاب آواز فرشتگان به چاپ رسیده است:

من که از گل بهترم / پسر من پسر

حرف های مادرم / نرود از نظرم

در دیستان همه را / مثل خود می شمرم

از خوش اخلاقی من / هست راضی پدرم

این شعر در بین این ۴۹ سال در چاپ سال ۱۳۵۴، توسط شاعر چنین چاپ شده است:

من که از گل بهترم / پسر من پسر

مادرم را دوست دارم / دوست دارم پدرم

مهربانم من با / خواهر و برادرم

همه با من خوبند / خیلی همبازی دارم

همه چیز می نویسم / تا هزار می شمرم

من کتاب می خوانم / می بیند با هنرم

مصراع آخر در چاپ‌های بعدی به خاطر فقدان تصویر خردسال، حذف شده است و چه بسا بهانه برخی از تغییرات این اشعار نیز ارتباط اشعاری است که در این مجموعه‌ها به خاطر نیاز روانی و عاطفی خردسالان مرتبط با تصویر سروده شده اند.

از این شعر، تنها سه بیت بخت گزینش توسط شاعر در کتاب «نیم قرن در باغ شعر کودکان» را داشته اند:

من که از گل بهترم / من پسر من پسر

یار کار پدرم / در کمک مادرم

مهربان با خواهرم / بچه ای با هنرم

در این سه بیت، از گل بهتر بودن، تشبیه تفضیل است و غیر از این آرایه، هیچ صنعت ادبی دیگری به کار نرفته است. و سرانجام این شعر در کتاب درسی، این گونه توسط هیأت مؤلفان که یکی از آنها عباس یمینی شریف بود، روایت شده است:

من که از گل بهترم / پسر من پسر

درس و مشق همه خوب / پسری با هنرم

حرف های مادرم / نرود از نظرم

از خوش اخلاقی من / هست راضی پدرم

اما این همه «سابقه تغییرات» به اینجا ختم نمی‌شود. بنا بر سندی که در کتابخانه ملی است، بر اساس دست‌نوشته‌هایی که شاعر بعد از بیست سال در سال ۱۳۵۴ بر چاپ چهارم کتاب «آواز فرشتگان» یا اشعار کودکان، چاپ انتشارات امیرکبیر، به عنوان یکی از کتاب‌های طلایی مقدمه کتاب آواز فرشتگان به منظور اعمال تغییرات برای چاپ جدید آن نوشته است؛ راوی در شعر «گاوه میگه» در کتاب «نیم قرن در باغ شعر کودکان»، شاعر است که با همان جمله نخست شعر یعنی «گاوی میگه»، به صورت سنتی به کودکان هشدار می‌دهد و در ادامه شعر از زبان گاوی، با کمک آرایه تشخیص ادامه پیدا می‌کند.

اما شاعر در کاربرد زبان محاوره، به خاطر تغییرات زبان محاوره در سایه تغییرات زبان معیار و ادبی، دچار سردرگمی است.

ادامه دارد



خاطرات اجتماعی استاد امین الله رشیدی
در عرصه آواز و موسیقی

یک عمر خاطره

۶۵

بچه‌ها از شاگردی که اتفاقاً روز گذشته به مدرسه نیامده بود، نام می‌برند. آقای فرامرزى علت شکستن شیشه را از او سوال می‌کند. او پاسخ می‌دهند: آقا، من دیروز غایب بوده و اصلاً به مدرسه نیامده ام. استاد می‌فرمایند: «دیگه بدتر، شما دیروز مرتکب دوخلاف شده‌اید:» هم به مدرسه نیامده‌اید و هم شیشه را شکسته اید. بنابراین تنبیه و جریمه شما مضاعف است!»

حال که نام استاد عبدالرحمن فرامرزى به میان آمد، بی‌مناسبت نیست اگر چندبیت از یک غزل سروده او را نقل کنیم:

آنچنان با غمتای مونس جان دمسازم
کز غم روی تو با خویش نمی‌پردازم

جهد کردم که بپوشم غم عشق تو، ولی
اشک خونین و رخ زرد بود غمازم

خلق گویند کز این دام بلا تندگریز
چون گریزم که چو کبکی به کف شهبازم

این چنینم که برانی تو کنون از درخویش
زود باشسد که بجویی و نیایی بازم

گر تو با روی نکو از همه خوبان فردی
من به شیرین سخنی از همگان ممتازم

که البته این غزل به پیروی از غزل مشهور سعدی
سروده شده است با این مطلع:

از تو با مصلحت خویش نمی‌پردازم
همچو پروانه که می‌سوزم و در پروازم

و خواننده مشهور، استاد جلال الدین تاج
اصفهانى، غزل سعدی را به شیوه‌ای شیرین، با شکوه

و کم سابقه در دستگاه همایون خوانده‌اند که یکی
از بهترین و ماندگارترین همایون‌های موسیقی ایران

از مکتب به دبستان

با تأسیس مدارس ابتدایی - دبستان - به شیوه مدرن و پس از آمدن دبیرستان و در نهایت دانشگاه در زمان رضاشاه، انتقال از مکتب خانه به دبستان آغاز و تحصیلات ابتدایی بنده در دبستان شاهپور واقع در محله کوچه باغ و بعد دبیرستان پهلوی در کوچه تبریزی‌های کاشان به پایان رسید.

با رسیدن به سن ۱۸ سالگی، به عنوان «دفتربار» در دفتر اسناد رسمی ۱۷ کاشان به سردفتری شیخ عابدین قدوسی ابوزید آبادی استخدام شدم و بعد از آن در سال ۱۳۲۵ به تهران منتقل و در دفترخانه ۹۶ تهران واقع در خیابان شاه آباد، اول کوچه امیرخان سردار - ملکی حاجی کوشانیور - مشغول شدم.

بعد از دو سال نیز به سبب نزدیکی خانه ام - واقع در خیابان نواب، کوچه سالار اعظم که مادرم آن خانه را دراول ورود به تهران به مبلغ ۳۶۰۰ تومان خریداری نموده بود - به دفتر اسناد رسمی ۱۰۵ تهران در خیابان قزوین چهارراه عباسی به سردفتری حاج شیخ علی محمد آقا حسینی طالقانی، بدانجا منتقل شده و تا رسیدن به مقام سردفتری، به شغل مذکور ادامه دادم.

یکی از مواد تحصیلی در مکتبخانه‌ای که فوقاً معروض افتاد، آموختن قرائت قرآن بود. قدری هم که بزرگتر شدم، یعنی تا سن ۱۰ تا ۱۵ سالگی هم در جلسات قرائت قرآن در مساجد یا خانه‌های کاشان شرکت می‌کردم.

شبى در یکی از این جلسات، وقتی نوبت قرائت به من رسید، من بر مبنای ذوق خوانندگی، قرائت قرآن را با لحنی لطیف و پراحساس و باحال خواندم تا مصداق آن تکبیت سعدی (ناخوش آوازی بیانگ بلند قرآن همی خواند) قرار بگیرم که فرمودند:

گر تو قرآن بدین نمط خوانی

ببری رونق مسلمانی
رئیس جلسه که پیرمرد و قرآن‌خوانی سنتی بود، معترض شده و با لهجه شیرین کاشی تذکر داد که:

ادامه دارد



مسئولیت مفهوم بسیار پیچیده ای است. این پیچیدگی نه تنها برای ما که حتی در نزد بسیاری از فیلسوفان اخلاق، سیاست و حقوق هم پیچیده است. مسئولیت به طور قطع در قلمرو جامعه، حقوق، اخلاق و دین و مذهب و حتی بعضی اعتقاد دارند که مسئولیت در عرف و عادات هم به کار می‌رود. اما مسئولیت هنرمندان در برابر نابسامانی‌های جامعه گاهی بیشتر نمود پیدا می‌کند و آنها حساسیت بیشتری از خود بروز می‌دهند. بر این اساس باید پذیرفت سونامی سرطان و درد و رنج‌های آن شوخی نیست. اگر هنرمندی به وضعیت سرطان و نابسامانی‌های آن از زوایه دیگر نگاه می‌کند قطعاً می‌تواند مورد توجه جدی قرار بگیرد. طی سالهای اخیر فیلمها و سریالهای تلویزیونی با محوریت سرطان ساخته شده اما فیلم بیست و یک روز بعد نمادی از تقابل زندگی و درد است. مادری که از درد سرطان و بی‌پولی درمان آن در رنج است و پسری که برای تهیه هزینه‌های درمان از هیچ تلاش و کوشش فروگذاری نمی‌کند. موضوع فیلم به همین سادگی است. اما آنچه باعث شده که فیلم بیست و یک روز بعد مورد توجه قرار گیرد نمادپردازی‌های بدون توجه به آلام و دردها و سیاهی‌های سرطان است.

سرطان بیماری دهشتناکی است که بسیاری را از پای درآورده و یکی از بحرانی‌های جدی جامعه ما شده است. در این فیلم کارگردان با توجه به این نکته که سرطان توقفی ندارد قطار را به عنوان نماد سرعتی که می‌توان جلوی ایستادن آن را گرفت در محوریت فیلم قرار داده است. پسر که عشق فیلم سازی هم دارد از درد سرطان آگاه می‌شود و دوگانه‌ای را در فیلم رقم می‌زند که با ریتمی ملتهب فضای درامی را برای مخاطب به تصویر می‌کشد. سیاهی سرطان در فیلم بیست و یک روز بعد به روشنایی تبدیل می‌شود که با امید، همان چیزی که بیماران سرطان به آن چشم دوخته‌اند، برای مقابله با آن حرکت می‌کند. شاید جنبه‌های اجتماعی فیلم را بتوان نقطه قوت فیلم دانست اما باید توجه داشت که کارگردان با فضا سازی‌های تغزلی و اثیری، سیاهی سرطان در کام مخاطب تلخ نمی‌کند. او به خوبی می‌داند که سرطان سیاه است اما با فضا سازی‌های حتی شاعرانه و پیرنگ انسانی، بستری معنایی از جنس زندگی برای مخاطب فراهم می‌کند. ریتم منطقی فیلم و دوری از توه‌های بی‌ثمر فیلم را توانسته در نقطه‌ای قرار دهد که مخاطب نه تنها با همذات پنداری با او حضور جدی پیدا کند بلکه اسیر بی معنایی نمی‌شود و به خوبی می‌داند که مرگ از جنس طبیعت است اما قطار آن را بعضاً می‌توان متوقف کرد. همچنین بیست و یک روز بعد توالی احساسی برای مخاطب فراهم می‌کند که عاقلانه به فیلم نگرستن را فراموش می‌کند. نمی‌توانیم در سکانس پایانی فیلم از تلاش پسر برای درمان مادر احساس خوشی نداشته باشیم.

قصه‌ای که زیبا شروع شد و زیبا تمام شد. اما این تمام زیبایی نیست.

ما با درامی رو به رو هستیم که در آن واکنش جدی به نابسامانی‌های جامعه خصوصاً در عرصه درمان سرطان و هزینه‌های آن رو به رو هستیم. این فیلم اگرچه نگاهی تلخ و سیاه به این وضعیت ندارد و سعی کرده بر اساس قصه‌ای سرگرم کننده وضعیت معرفتی را برای مخاطب فراهم کند اما نمود کلی و عینی آن در کنش‌های پسری برای درمان مادر در کلیشه‌ای تکراری ظهور پیدا می‌کند. دالالت کلی فیلم در لایه‌های زیرین آن بر منطق التهاب استوار نیست. فضایی دلکش و آرام، بدون تنش، نمودی است بر وضعیت بیماری مادر و بیماری جامعه است. گویی فیلم می‌خواهد سینما را در عرصه بوده‌ها رها کند و با نبودنها سر و کار ندارد مگر سخن از بیهودگی و تباهی باشد که قطعاً جای آن در سینما نیست. بسیاری از ژانرها و سبکهای سینمایی در جدال با همین بوده‌ها است. اما با گسست بسیار عجیبی "بیست و یک روز بعد" با آن رو به رو است و آن بیماری به مثابه بخشی از جامعه‌ای

است که می‌تواند رخ دهد و اتفاقی در آن رخ ندهد. بر همین مبناست که نه تنها فیلم را به مسئله‌ای جدی تبدیل کرده بلکه آن را در سرایشی میان مایگی قرار داده است. اما این مایه معرفتی فیلم اجازه سقوط به آن نمی‌دهد و او را به فراز داستان دوباره می‌کشاند. وضعیت بحرانی جامعه چنان فراز و نشیب یافته که نمی‌توان به سادگی صحبت از یک خط و یا یک پارادوکس کرد. "بودن" یا "نبودن" زنی بیمار در سینما به مثابه موجودی حقیقی و غیر اثیری ما را با سرایشی ملودرامی رو به رو می‌کند که بیشتر به قصه قصه‌ها شبیه است تا سینمای راوی و یا حتی سینمای قصه گو. بر این اساس سینما درگیر با واقعیتی انکار ناپذیر می‌شود و از قاب تصویر و حرکت خارج شده و در مقام امور اخلاقی و نفسانی ما را به سوی یک فرایند دو قطبی سوق می‌دهد. "بیست و یک روز بعد" روایت دریده‌شدن پرده پندارها و توه‌هاست. به خوبی می‌دانیم که چیزی در این جهان پایدار و ثابت نیست و همه چیز در حالت سیلان است.

در این تغییر و دگرگونی و حتی ستیز و کشاکش میان اضداد، یگانه واقعیت و عدالت بروز و ظهور می‌یابد. در این رخداد، حضور زن بیمار صعب‌العلاج نشان دهنده ناعدالتی در سیستم درمانی جامعه از زوایه‌ای خاموش به تصویر کشیده می‌شود. داستان پردازی پسر برای توقف قطار اگرچه در نوع خود درامی سرگرم کننده برای مخاطب ساخته است اما نگویند بختی او نشان از وقوع رخدادی خطرناک برای وضعیتی نابسامان است. "بیست و یک روز بعد" بر اساس منطق دوگانه سازی مادر و فرزند دیالکتیکی پر خطر برای مخاطب ایجاد می‌کند. گویی مخاطب باید بپذیرد که سرنوشت محتوم بخشی از جامعه که مادر نیز جزوی از آن است بر همین بستر حرکت می‌کند. اما معنای مادر بیمار نه تنها به معنایی تبدیل شده بلکه شکاف نامتعین رخدادهای فیلم، زن بیمار را در مقام جلوه‌گاه زیبایی قرار نمی‌دهد. حتی کلاه گیس طلایی نیز نشان از شانس سیاه اوست که کارگردان با سکانسی فریکارانه مخاطب را از این که سرطان سیاه هم نیست دور می‌کند و لحظاتی معاشقه وار به مخاطب القاء می‌کند و فیلم را در انفجار ملودرامی ترحم برانگیز قرار نمی‌دهد. تمامی این وضعیت حاصل قصه‌ای است که اعتماد را در تمامی شئون و بسترهای معرفتی و نامطمئن فیلم سامان می‌دهد. چرا که کارگردان خود را به سوی روایت ملودرام مدرن سوق می‌دهد تا نشان دهد که امر حقیقی و ناممکن هم می‌تواند ممکن شود و مرگی در کار نیست. چرا که او به خوبی دریافته نمی‌توانیم مرگ را واپس رانیم و یا آن را سرکوب کنیم. اساساً نظام معنایی مرگ بر اساس سرطان ما با تجربه‌های منحصری رو به رو هستیم. در این فضا است که "بیست و یک روز بعد" تحمل پذیری مرگ را رومانتیزه کرده و همجواری با آن را از هراس و وحشت دور کرده است. او به خوبی نشان داده که این بیست و یک روز بعد کاملاً تکرار پذیر است و باید منتظر بیست و یک روزهای بعدی هم بود اما منطق اغوا گرانه فیلم این معما را به ما زمانی آشکار می‌کند که گویی بیست و یک روز بعد همه چی تمام می‌شود در حالی که بیست و یک روز بعد آغاز دوباره‌ای بر مابجاری پیچیده و به ظاهر آرام درمان سرطان است. امروزه شاید بتوانیم رنج مرگ و چگونه مردن را معنا کنیم اما با طولانی تر شدن زندگی به معنای بامعناتر شدن زندگی نیست. کارگردان می‌خواهد تصویری از طولانی تر شدن زندگی با معنای خود را نشان دهد.

ما با معنای فیلمی رو به رو هستیم که ما را به جاودانگی تهی نزدیک کرده و در برهوت استعلا قرار گرفته ایم. برهوتی که خود با دست خود ساخته ایم و به صورتی مبالغه آمیز معضلی فراگیر برای خود دست و پا کرده ایم. "بیست و یک روز بعد" با خلق تصاویر اما بر اساس همان مضامین کلیشه‌ای این معضل را برای ما قابل حل و هضم کرده است. او به ما نشان داده است که اساساً روایت پردازی درباب بیماری سرطان اینقدرها هم که می‌گویند درداور نیست.



نقدی بر مجموعه شعر «مرگ آدم‌ها را زیباتر می‌کند» سروده آریا معصومی

توصیفاتی واقع‌گرایانه



آریا معصومی

آن‌ها / تنها زن بودند / زیبا بودند / و ما تنها مرد بودیم / مرد بودیم و مرد ... / به کدامین گناه چشم گشوده‌ایم / که این‌گونه زنده به گوریم / ما انسانهای آپارتمان‌های هزار سلولی / که در موبایل‌هایمان عاشق می‌شویم / و از همدیگر جدا می‌شویم.

شاعر در عالم خیال خود، شعر را چون دختران زیبا می‌انگارد و با رفتن به کافه‌ها دودی و آلوده شده‌اند. این گروه به عنوان شخصیت داستانی، حضور بسیار کم‌رنگ دارد. منظور من از این زنان، بیشتر قشر شاعران و دیگر هنرها هستند. این زنان در اقلیت‌اند؛ اما وجود دارند.

زن روشنفکرانه، زاویه دید وسیعی دارد. قدرت اندیشه‌اش فراتر از دایره اعتقادات و سنت‌هاست. او از مرز روزمرگی بیرون آمده و با مسائل اجتماعی، سیاسی، علمی و ... سروکار دارد و دست به قلم می‌برد و دغدغه‌های خود را با دیدی زنانه و وسیع بیان می‌کند:

* تغنگ را بردار / و تماش کن این من را / ما فرزندان غمگین زمینیم / که در آغوش زنی که زاییده‌مان / گریستیم / در آغوش دختری که دوستش داشتیم / گریستیم پول دادیم و گریستیم / در آغوش تمام زنانی که نمی‌شناختیم. (شعر شماره ۸)

* پرچم در باد می‌رقصد / پرچم در باد پاره‌پاره می‌شود / آن چیزی که زندگی را / زیبا می‌کند / یک روز ما را / از پا درمی‌آورد. (شعر شماره ۶)

* تا خواستیم دل بندیم / دل رفته بود / تا خواستیم دل بکنیم / دل بسته بود / تا ما که فکر می‌کردیم / هیچ چیزی بیشتر از ریختن برگ‌ها / غمگینان نمی‌کند غمگین‌تر شویم / در آپارتمان‌هایی که از درخت‌ها بالاتر رفتند.

در شعر بالا ما با سطر «غمگین‌تر شویم» مواجه هستیم؛ در حالی که اگر «غمگین‌تر شدیم» باشد، به نظر زیباتر است. هر وقت کلمه خلاقیت را می‌شنویم، بی‌اراده به یاد کارها و آثار برجسته هنرمندان و دانشمندان نامی می‌افتیم؛ لیکن باید به خاطر داشته باشیم که همواره لازمه خلاقیت، نبوغ نیست. هر کس در کارهای روزمره خود ممکن است از خود خلاقیت نشان دهد، اما خلاقیت بعضی‌ها بیشتر و بعضی‌ها کمتر است.



می‌ماند / تا بچه‌ها برادرند / و سوت‌زنان دور شوند / اما من انسانم / نمی‌توانم خودم را دور بیاندازم / و هر زنی که از سینه‌ام می‌رود / جهان را سوت‌زنان پرسه می‌زنم / تا زنی دیگر ... / اینکه سینه‌ی هر مرد / این که جهان / چند خدا دارد را / هیچ کس نمی‌داند / اما آن زن / که چشم‌هایت را آزار می‌دهد / خورشید است تا آخرین نفس / در روشنائیش قدم بزن / که این قلب کارگری است / که یک روز / دیگر برای دوست داشتن / به میدان شهر نمی‌رود. (شعر شماره ۸) گاهی در کتاب معصومی، «حشو» یا اضافه‌گویی مشاهده می‌شود؛ مانند: «تا آخرین نف»، که به جایش «تا آخر» کافی است و مفهوم را کاملاً ارائه داده؛ یا در سطرهای بالا «یک روز» اضافه است و باعث می‌شود تا مخاطب سردرگم شود. به خصوص مخاطب امروز که آنقدر زیرک و هوشیار است که زود می‌فهمد در شعرهای معصومی اضافه‌گویی‌ها زیاد اند.

مخاطب امروز آنقدر زیرک و هوشیار است که به محض اینکه بگویی یک، او زود می‌گوید دو؛ یا اگر بگویی سه، می‌گوید چهار. در اینجا شعر شماره ۴ از قسمت دوم کتاب که حرام‌زاده‌ها نام دارد را می‌خوانیم:

* به کدامین شعر قسم / که تمام شعرها / در کافه‌ها آلوده شدند / به دخترانی که شاعر نامیدیم / و مبارز صدایشان زدیم / در حالی که

آریا معصومی متولد ۱۳۷۲ اهل دهدشت استان خرم‌آباد است و از قلم او تا کنون این آثار منتشر شده است: مجموعه شعر «تنهایی خانم این خانه است» که نامزد برنده جایزه سیلک در سال ۱۳۹۵ شد و مجموعه داستان «آدم‌های معروف، دستشویی نمی‌روند» که نامزد برنده جایزه سیلک ۱۳۹۴ گردید.

و حالا با دومین مجموعه شعر «مرگ آدم‌ها را زیباتر می‌کند» وارد بازار کتاب شده است. این مجموعه شعر که توسط انتشارات ماه باران منتشر شده، از دو بخش تشکیل شده است: حلال‌زاده‌ها و حرام‌زاده‌ها. شعر اول کتاب را (از صفحه ۷) با هم می‌خوانیم:

* سربازانی که از جنگ بر نمی‌گردند / نمرده‌اند / شبیه مردانی / که بعد از دیدن تو / دیگر کسی آن‌ها را ندید

* به تو فکر خواهم کرد / آنقدر فکر خواهم کرد / که سال‌ها بعد / روزنامه‌ها تیر بزند / از لب‌های جنازه‌ای / دود بلند می‌شود / مردم، متعجب عکس را نگاه کنند / تو لبخند بزنی / زیر لب بگویی / دیوانه هنوز به من فکر می‌کند. (شعر اول، صص ۸ و ۹)

به طور کلی یکی از ویژگی‌های شعر معصومی که در سطرهای بالا نیز مشهود است، طرح مضامین و نکات دقیقی است که شاعر، آنها را جداگانه و حتی گاهی در موجزترین کلام و رساترین شیوه بیان کرده است. عنوان «دیوانه هنوز به من فکر می‌کند» برگرفته از یکی از سطرهای شعر و انتخاب آن برای پایان شعر متناسب با فضایی مناسب بوده است.

هر تمثیل از پیوند چند «عنصر تمثیلی» شکل می‌گیرد. و عناصر تمثیل که در حکم القاب زبان تمثیلی هستند، بر مبنای نوعی ارزش داوری و گزینش می‌شوند.

به عبارت دیگر، تمثیل و زبان تمثیلی، پایه‌های خویش را بر یک زمینه فرهنگی مشترک و عموماً جهانی می‌گذارد.

معصومی، عناصر تمثیل خویش را از مردم گرفته و ظاهراً پیشینه فرهنگی این عناصر تغییر چندانی نکرده است. وی به گونه‌ای واقع‌گرایانه به توصیف پرداخته و به مدد تخیل خویش، تصویری کم‌نظیر به مخاطب منتقل می‌کند.

* هر گلوله‌ای که شلیک می‌شود / پوک‌های

بادها کجا می‌میرند؟



حسین آذری

«حسن آذری» از شاعران سپیدسرای است که اشعارش در شبکه‌های مجازی مورد پسند مخاطبان قرار گرفته است.

از وی تا کنون چهار مجموعه شعر منتشر شده که «سپیده‌دمی که بوی لیمو می‌دهد»، «بادها کجا می‌میرند» و «پرده‌ها را کشیدی» از آن جمله‌اند.

در این فرصت، چند شعر از او را با هم می‌خوانیم:

(۱)

به مادرم گفتم:

اگر از مرگ ماهی قرمز پشیمانی

پس چرا تنگ خالی را

برای عید سال بعد نگه می‌داری؟

مادر هیچ نگفت

من اما به تو می‌گویم:

قفس‌های خالی در خانه‌ها

همیشه دلیلی مهربانی صاحب‌خانه نیستند

به ما دروغ گفته‌اند عزیزم

اما من به تو راستش را می‌گویم

مرگ

پرنده را رها نمی‌کند

فقط قفس را خالی میکند

برای مرگ پرنده‌ای دیگر

(۲)

دو دست داریم برای گرفتن

دو پا برای آمدن

اما من با دستانم

بیش از آنکه بگیرم

رها کرده‌ام

و با پاها

بیشتر از آمدن

رفته‌ام

و اگر دست نداشتم

آیا چیزی را از دست نمی‌دادم؟

(۳)

بسیار سالها گذشت تا فهمیدم

آن که در خیابان می‌گرید

از آن که در گورستان می‌گرید

بسیار غمگین تر است

از خیابان‌های بسیار

از گورستان‌های زیادی گذشتم

تا فهمیدم

آن که در خانه اش نیز نمی‌تواند بگرید

از همه آندوهناک تر است.

(۴)

تنها منم که می‌دانم

چرا اغلب اوقات ساکتی

به اولین صبح پس از پایان جنگ

شبی

آرامی و زیبا

اما

غمگین

به اولین صبحانه

در اولین روز صلح می‌مانی

شیرینی و دلچسب

اما

درد

مهدی مظفری ساوجی

علف‌های هرز

کاظم واعظ زاده



کسی که حضورش لازم نیست

می‌آید

می‌نشیند کنار دست

حرف می‌زند با تو

با تنهایی‌ات

بعد

دست می‌برد در موهایی

دست بر نمی‌دارد از دلنگی‌ات

در خنده‌های رودخانه می‌شود

در بغض‌های آواز

از تو بیرون نمی‌رود

سال‌هاست...

گاه

علف‌های هرز

ریشه‌هایی

به مراتب قوی‌تر

از گل‌های سرخ دارند

فرنگیس کردی

انسان

خودم را پنهان می‌کنم زیر پوستی نرم

انسان می‌نامم!

باتام انسان موش می‌شوم

باتام انسان خرس می‌شوم

باتام انسان ببر...

باغ وحشی زیر پوستم پنهان شده

شبها از ترس

درها را قفل می‌کنم...





کنترل رؤیا در خواب!



اندازه گیری امواج مغزی و فعالیت حرکات چشم، زمانی را که فرد وارد مرحله ای از خواب موسوم به REM می شود، شناسایی می کند. سپس این دستگاه یک سری نور متساع می کند که در این حالت کاربران می توانند وارد وضعیت رؤیای واضح و شفاف شوند و رؤیاهای خود را کنترل کنند. این سربند می تواند به افراد در دیدن خواب های شفاف و واضح نیز یاری برساند. «روزنامه حمایت»

حقیقتا دست مملی ... یعنی این یارانه ، کارانه، سبد کالا، عیدی و پاداش و ۱۰ درصد افزایش حقوق ناز شست این دانشمندان و پژوهشگران ... از شیربدون پالم مادر حلال تر... یعنی دیگر موسم خواب های پریشان و برفکی و سیاه و سفیدو کابوس های هولناک به پایان رسیده و موقع دیدن خواب های هدفمند و کنترل شده فرا رسیده است. این طوری که این دوستان محقق و پژوهشگر در حال پیشروی هستند، به نظر می رسد تا چند وقت دیگر «دستگاه رؤیا ساز» هم تولید کنند با انواع آپشن ها و قابلیت روت خواب در باب موضوعات مختلف نظیر: مسافرت های هوایی، اقامت در هتل های آن جنانی، خرید خانه و خودرو، تفریحات مهیج، وام ازدواج، مسکن مهر، خرید خودروی ارزان قیمت، دریافت وام کم بهره، دریافت سبد کالا و ... یعنی در آینده کافی است قبل از خواب مواردی را که دوست دارید خواب ببیند با مدت زمان مشخص و رعایت موازین اخلاقی و شرعی، از منوی

هر چند خیلی از افراد به دنیای خواب و رؤیا هیچ اعتقادی ندارند، ولی از طرفی بسیاری از ابناء بشر کلاً در عالم خواب و رؤیا به سر می برند. اصلاً یک عده به امید دیدن خواب های شفاف و با کیفیت، از هر موقعیتی برای خوابیدن استفاده می کنند. از جمله همین عمو سیفی خودمان (سرابدار مفخم مدرسه) که فکر کنم هر شب یک دی وی دی کامل خواب می بیند. ایشان چند روز قبل تفریحی، تودودی که خواب دیده یک مازراتی زرشکی، تودودی ابریشمی، رینگ اسپرت، بیمه بدنه کامل و ... سوار شده و در جاده های شمال در حال رانندگی است. اما داخل مازراتی شبیه به پژو ۲۰۶ بوده. وی معتقد است که چون تا به حال سوار مازراتی نشده، ضمیر ناخودآگاه وی نیز تصویری از داخل مازراتی ندارد. بنابراین در رؤیا تصویر پژو ۲۰۶ پخش می کرده است.

البته الان با اختراع جدید دوستان پژوهشگر، به نوعی مشکل کیفیت خواب های مبهم، سیاه و سفید و ۸ میلی متری حل شده است و علاوه بر این که می توان خواب هایی با کیفیت آج دی و وضوح بالا دید، کنترل خواب هم ممکن شده است. سند معتبر به نقل جراید همیشه بیدار ... «پژوهشگران، همدند جدیدی ساخته اند که می تواند با اندازه گیری فعالیت حرکات چشم، به کاربر در کنترل رؤیاهای خود کمک کند. کارکرد این سربند این گونه است که با

ارثیه پدری یا پست مدیریتی!



آدم یا قول نمی دهد یا وقتی که قول داد، دیگر چاره ای ندارد و باید پای قولش بایستد. یعنی اساساً باید بین قول ما یا قول بعضی ها یک تفاوت هایی وجود داشته باشد. هر چند ما نه سر پیاز هستیم و نه ته پیاز، ولی همین طوری یک عده، سایه ما را با تیر می زنند و حالا اگر قول هم بدهیم و عمل نکنیم، فکر کنم به صورت مستقیم ما را هدف گیری کنند. از مقدمه پرهیز کنم و بروم سر اصل داستان ... از مدیران کل و استانداران استان های مختلف پنهان نیست، از شما چه پنهان؛ چندی قبل بنده خدایی از ما قول گرفت راجع به عزل و نصب ها در ادارات ولایت مان هم مطلب بنویسیم. ما هم به این بنده خدا یک «چشم» معمولی گفتم و سوختم. یعنی هفته ای نبود که این شیر پاک خورده (شاید هم دامداران یا میهن خورده)، حدیث و جملات بزرگان راجع به وفای به عهد و قول صدیق و راست کرداری برایمان با پیامک و تلگرام و سایر فرستادنی های مجاز و غیر مجاز نفرستد. هر وقت هم ما را می دید، به صورت لسانی یا ایماء و اشاره و ... قول شفاهی ما را یادآور می شد. فلذا امشب مجبور شدیم دست به صفحه کلید شویم و راجع به این مقوله درخواستی افاضه کنیم.

حقیقت امر این است که یک عده در این مملکت که از زن با کیفیت یا پارتی خوب بهره مند هستند یا قوانین جای گیری و حرکت در فضاهای ارزشمند را به خوبی فرا گرفته اند؛ پس از تصدی یک پست، چنان به صندلی یا منصب شان تکیه می کنند که گویی این پست را



تبسم و تفکر
آیت نادری

* متولد ۱۳۵۹، اصفهان
* فارغ التحصیل رشته گرافیک از دانشکده سروش اصفهان
* فعالیت در زمین > کاریکاتور از سال ۱۳۷۶
* مدرس کاریکاتور اصفهان
* حضور در نمایشگاه های فردی و گروهی در زمینه کاریکاتور و گرافیک
* کسب مقام در چندین جشنواره داخلی و خارجی



از فرمایشات ما
پارک اموات!

کم زندگان ما مشکل دارند که باید این شب جمعه ای، با ترس و لرز، راجع به مردگان خارج از صحنه هم مطالبی عرض کنیم. خدا خودش هوای ما را داشته باشد که این طوری شب و روز باید هوای همه را داشته باشیم. آن هم در این هوای بی نظیر تهران که راه رفتن به آرامستان را هموارتر و نزدیکتر می کند. منظورمان مسیر مستقیم مترو است که خط یک آن مستقیم از تجریش به عنوان شمالی ترین نقطه شهر، یکرست می رود بهشت زهرا به عنوان جنوبی ترین نقطه پایتخت. امکانات را دارید؟...

— به جای این حرفها، بنشین دوکلمه راجع به این معضل ساپورت لاکرداری بنویس. حالا داعش لعنتی به درک!... (این توصیه مشفقانه را نفهمیدیم چه کسی مطرح کرد و رفت. تا آمدیم برای لمس بیشتر و محسوس تر قضیه، توضیحات بیشتر و مصوری از او درخواست کنیم، فلنگ را بسته بود).

از قرار معلوم، ما فقط مشکل میسکن نداریم، بلکه مدتی است با مشکل مدفن هم مواجه شدیم. ظاهراً آرامستان تهران، گنجایش رو به اتمام است و باید به فکر مکان های دیگری برای اموات تازه در گذشته باشیم. کم کم، مرده ها هم مشکل مکان دارند!

مدفن مهر: «تا وقتی پارک ها و بوستان های شهری هستند، هیچ وقت اموات روی زمین نمی مانند. این جدیدترین ایده ای است که برای دفن اموات تهرانی پس از تکمیل ظرفیت تنها آرامستان پایتخت، در دوره چهارم شورای شهر تهران مطرح شد.» (به نقل از جراید زنده) پرسش فلسفی: آیا الان باید بختنیم یا گریه کنیم؟... مسأله این است.

طرحی برای یک کاریکاتور: جمعی از مردم برای انجام تفریحات سالم و هواخوری به پارک و بوستان آمده اند و روی نیمکت ها در حال استراحت و تمدد اعصاب هستند. در همان حال، عده ای مردم عزادار نیز، تابوت مرده ای را بر دوش دارند و «بلندگو لاله الا الله» گویان، به سمت گوشه ای دیگر از پارک می روند تا مرده خود را به سلامتی دفن کنند. همزمان یک عده دنبال جای پارک برای ماشین خود می گردند و یک عده دنبال پارک برای دفن مرده شان. هرکس کار خودش را می کند. مأمور پارک هم با مرده شور، عکس یادگاری سلفی می اندازد.

بسته پیشنهادی: از آنجا که قضیه از اهمیت خاصی برخوردار است و اشخاص متفکری پشت این ایده بی نظیر حضور دارند؛ لهذا بر ما نیز وظیفه است که اگر پیشنهادهای ناب دیگری داریم، الساعه تقدیم کنیم:

۱- دفن پشت بام: هر خانواده تهرانی، امواتش را اگر اشکالی ندارد، در پشت بام خانه شان دفن کنند. این طوری، از بار ترافیک شهر نیز به شکل محسوس و به خصوص در شب های جمعه و در راهها و بزرگراه های منتهی به بهشت زهرا، کاسته می شود. هرکس شب جمعه ای با آسانسور خودش را می رساند به پشت بام و فاتحه امواتش را می خواند.



۲- تخلیه واحدهای مدفونی: زنده ها که حالیشان است، اگر مستأجر باشند، هر چند وقت یکبار باید واحد مسکونی خود را تخلیه کنند. خب پس در مورد مرده ها که حالیشان نیست، چرا نباید این طرح انجام شود؟ البته مرده های قدیمی که از تاریخ دفنشان مثلاً بیش از پنجاه سال بگذرد. چه اشکال دارد که برای بازماندگان آنها حکم تخلیه برود؟ بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر کز طرح های شورا، دود از کفن برآید!

۳- تدفین مشروط: اگر شهرداری و شورای شهر نتوانستند مشکل تهیه مکان جدیدی برای دفن اموات در آینده پیدا کنند؛ از حالا هر کس که فوت کرد، محل و مکان دفنش را خودش از قبل مشخص کند. فقط هزینه دفنش را شهرداری بگیرد. به خاطر نظارت کیفی پر مراسم تدفین و خاکسپاری استاندارد، شهر هرت و هرات که نیست. آرامستان است.

۴- قبرستان غیرانتفاعی: بخش خصوصی وارد گود شود. در این حالت چون رقابت پیش می آید، قبرستان های مختلف و متعددی ممکن است ساخته شود که از امکانات و تسهیلات خوبی هم برای اهل قبور برخوردار باشند.

هرکس توانست از پس پرداخت شهریه این قبرستان های غیرانتفاعی یا قبرستان های نمونه مردمی برآمد، در این اماکن مدفون شود. و گرنه خود داند. می خواست نمیرد.

